

۱۳۹۷

کتابچه راهنمای شناسا، حمایت و توانمندسازی

استعدادهای دانشویان

ویژه دانشگاهها



تهیه و تدوین: توسعه تفکر روش آفرین (تترا)

فهرست مطالب

مقدمه

فصل ۱- شناسایی و هدایت استعدادها

۱-۱- مقدمه

۱-۲- راه کارها و رویکردهای صحیح در شناسایی و هدایت استعدادها

و نخبگان

فصل ۲- حمایت و توانمندسازی استعدادها

۲-۱- مقدمه

۲-۲- راه کارها و رویکردهای صحیح در حمایت و توانمندسازی

استعدادها و نخبگان

فصل ۳- زمینه سازی برای اثرگذاری استعدادها

۳-۱- مقدمه

۳-۲- راه کارها و رویکردهای صحیح در به کارگیری و استفاده از

استعدادها و نخبگان

مقدمه

رویکردها و اقدامات کلان مرتبط با نخبگان و استعداد‌های برتر در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» ارائه شده و لازم است این سند و رویکردها و اقدامات موجود در آن مبنای عمل در حوزه‌های مختلف نظام نخبگانی قرار گیرد. لکن با توجه به اینکه این سند یک سند راهبردی در سطح ملی است، بسط و تبیین آن در حوزه‌ها و موضوعات مختلف لازم و ضروری می‌باشد. لذا در ادامه سعی خواهد شد رویکردها و اقدامات سند که مرتبط با حوزه دانشگاه است، در قالب نکات و توضیحاتی، شرح و بسط داده شوند تا استفاده از آن‌ها و عمل به وظایف محوله به دانشگاه‌ها در قبال استعداد‌های دانشجویی و نخبگان اولاً شفاف و واضح شود و ثانیاً وحدت نگاه و رویکرد در بخش‌ها و مجموعه‌های مختلف ذی‌ربط به موضوع ایجاد گردد.

اما لازم است ابتدا تعاریف بعضی از مفاهیم کلیدی بر اساس آنچه در سند راهبردی کشور در امور نخبگان تنظیم شده است، ارائه گردد:

♦ **نخبه:** به فردی برجسته و کارآمد اطلاق می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشد و همچنین

فعالیت‌های وی بر پایه‌ی هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود.

♦ **صاحب استعداد برتر:** به فردی اطلاق می‌شود که با توجه ویژگی‌های ذاتی خود امکان رسیدن به مرحله نخبگی را داراست ولی هنوز زمینه‌های لازم برای شناسایی کامل و بروز استعدادهای ویژه‌ی او فراهم نشده است.

♦ **فعالیت نخبگانی:** فعالیتی است آگاهانه، خلاقانه و نوآورانه با اثر گذاری محسوس بر پیشرفت کشور در حوزه‌های مختلف از قبیل: علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت با تأکید بر شناخت مسائل و مشکلات کشور

♦ **گروه نخبه:** هر یک از گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که در مقایسه با سایر هویت‌های مشابه، توانمندی انجام فعالیت‌های نخبگانی را دارا هستند.

♦ **گروه استعداد برتر:** هر یک از گروه‌ها، سازمان‌ها یا نهادهایی که استعداد کسب توانمندی‌های ویژه‌ای را دارد ولی برای تبدیل آن‌ها به گروه نخبه، باید حمایت‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم صورت پذیرد.

♦ **اجتماع نخبگانی:** شامل افراد یا گروه‌هایی است که به تشخیص بنیاد ملی نخبگان، توانمندی‌های بالقوه یا بالفعل انجام فعالیت‌های نخبگانی را دارا هستند؛ بنابراین شامل همه افراد و گروه‌های نخبه و صاحب استعداد برتر است.

♦ **نظام نخبگانی:** شامل مجموعه بخش‌های مختلف کشور مشتمل بر نقش آفرینان، نهادها، قوانین، سازوکارها و روندهایی است که بر «فعالیت‌های نخبگانی» و «اجتماع نخبگانی» به صورت مستقیم اثر گذارند.

فصل اول - شناسایی و هدایت استعدادها

۱-۱. مقدمه

شناسایی و هدایت استعداد‌های مختلف افراد، یکی از کلیدی‌ترین قدم‌ها در رشد و پرورش آن‌ها است. اغلب استعدادهایی که هدر می‌روند یا به حد مطلوبی از کمال نمی‌رسند، به دلیل عدم شناخت درست استعدادها و توانمندی‌ها است. در همین راستا، در سند راهبردی کشور در امور نخبگان، به عنوان اولین راهبرد کلان، شناسایی و هدایت استعدادها مورد توجه قرار گرفته و در ذیل آن، دو راهبرد ملی زیر تعریف شده است:

◆ **تنوع‌بخشی در تعریف سطوح، حوزه‌های فعالیت‌های نخبگانی و روش‌های شناسایی آن‌ها**

◆ **هدایت صاحبان استعداد‌های برتر با استفاده از توانمندی‌های بخش‌های دولتی و غیردولتی**

در این فصل تلاش شده است در چارچوب راهبردهای فوق و نیز اقدامات ملی تعریف شده در راستای آن‌ها، نکاتی جهت اجرایی‌سازی هر چه بهتر و موثرتر سند راهبردی کشور در امور نخبگان ارائه گردد.

ما مسأله شناسائی نخبه را داریم. پیش از شناسائی نخبه شناسائی استعداد برتر را داریم که در طول زمان تبدیل به نخبه خواهد شد ... پس اول شناسائی استعداد برتر است، بعد مسیر این صاحب استعداد برتر به سمت نخبه شدن، بعد رسیدن به نقطه‌ی ثمردهی که در واقع همان نقطه نخبه است.

مقام معظم رهبری

دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی - ۱۳/۷/۱۳۹۰

۱-۲. راه کارها و رویکردهای صحیح در شناسایی و هدایت استعدادها و نخبگان

جهت شناسایی و هدایت استعدادهای دانشگاهی، راه کارها و رویکردهایی بر اساس محتوای سند راهبردی کشور در امور نخبگان و اسناد پشتیبان آن استخراج شده‌اند، در کادر زیر ارائه و در ادامه تشریح شده‌اند:

- ◆ فراهم کردن فضای دانشگاه‌ها برای بروز استعدادها در رشته‌های متنوع تحصیلی
- ◆ بسترسازی برای رشد استعدادهای غیرتحصیلی و آموزشی
- ◆ بسترسازی برای شناسایی و حمایت از استعدادها در زمینه‌های هنری، فرهنگی، مذهبی و
- ◆ بسترسازی برای شکل‌گیری هسته‌های جوان خودجوش دانشجویی
- ◆ توسعه انجمن‌های علمی دانشجویی
- ◆ هدایت و تشویق نخبگان به سمت تشکیل گروه‌های نخبه
- ◆ توسعه نهادهای رقابتی به عنوان سازوکار نظام نخبگانی

- ◆ پرهیز از برچسب زدن عناوینی مثل نخبه، تیزهوش بر
- افراد مستعد در فرآیندهای شناسایی و کشف استعدادها
- ◆ اجرای برنامه‌های فرهنگی و اعتقادی برای دانشجویان
نخبه
- ◆ توجه به اقتضانات خاص استعدادهای برتر در اجرای
برنامه‌های فرهنگی و اعتقادی
- ◆ بسترسازی برای انس دانشجویان با قرآن
- ◆ تقویت دلبستگی استعدادهای و نخبگان به کشور،
فرهنگ و مردم
- ◆ استفاده از نخبگان اجتماعی خارج از دانشگاه
(کارآفرینان، مدیران، هنرمندان، عناصر فرهنگی و ...)
- ◆ تفکیک هرم‌های مختلف رشد و ارتقای هیئت‌های
علمی در دانشگاهها
- ◆ توسعه‌ی کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی

◆ فراهم کردن فضای دانشگاه‌ها برای بروز استعدادهای رشته‌های متنوع تحصیلی

یکی از رویکردهای مهم سند راهبردی کشور در امور نخبگان بحث تنوع است. در حال حاضر دانشگاه تقریباً یک راه‌حل یگانه و تنها راهی است که دانش‌آموزان سر راه خود می‌بینند و غیر از کسانی که به علت محدودیتها امکان آن را پیدا نمیکنند، بقیه‌ی افرادی که استعداد و توانمندی لازم را دارند، دانشگاه را انتخاب میکنند (که درست یا غلط بودن این امر و اصلاح آن در اینجا مورد بحث نیست). نکته این است که نباید این اتفاق در دانشگاه نیز تکرار شود. وقتی کسی در رشته‌های پذیرفته میشود، این رشته بیش از اینکه حاصل استعدادها، انگیزه‌ها و علایق او باشد حاصل رتبه‌های است که در کنکور کسب کرده و رشته‌های که در دبیرستان انتخاب نموده است. شاید کسی باشد که

استعداد هنری دارد اما به دلایل اجتماعی و فشارهای خانوادگی رشته‌ی ریاضی را انتخاب کرده و در دانشگاه هم در یک رشته‌ی مهندسی ادامه تحصیل می‌دهد. در دانشگاه باید جلوی ادامگی این روند گرفته شود، چون اگر در دانشگاه هم این روند ادامه پیدا کند، استعدادهای فرد هدر خواهد رفت و بعید است کسی که مهندسی خوانده و دکترای آن را هم گرفته بعد از دوران دانشجویی یک هنرمند، مدیر یا نظریه‌پرداز علوم انسانی شود.

در دانشگاه باید به تنوع استعدادها توجه جدی شود و بسترهای شناسایی، هدایت و رشد آن‌ها فراهم شود. شاید کسی در یک رشته‌ی مهندسی تحصیل میکند اما استعداد هنری دارد یا در پزشکی تحصیل کند و استعداد مدیریت و کارآفرینی داشته باشد. بسترهای این تنوع در آموزش و پرورش مهم است اما در دانشگاه و سیستمهای آموزش عالی اهمیت بیشتری دارد چون در آموزش و پرورش غالباً والدین هستند که برای فرزند خود تصمیم میگیرند یا جامعه پیرامون، به نوعی اجبار حاکم است و تنوعی وجود ندارد؛ دانش‌آموز باید یکی از سه رشته‌ی ریاضی، تجربی یا انسانی را انتخاب کند، البته رشته‌های فنی و حرفه‌ای و هنر هم هستند اما معمولاً کسانی که توانمندی دارند به دلایل اجتماعی و خانوادگی بیشتر به رشته‌های ریاضی و تجربی گرایش پیدا میکنند. در دانشگاه باید به این مسأله پرداخت.

یکی از کارهایی که میتوان در بحث تنوع انجام داد فراهم کردن امکان تغییر رشته در یک مقطع یا انتخاب سایر رشته‌ها در مقاطع دیگر برای استعدادهای برتر است. یعنی اگر کسی یک رشته‌ی مهندسی را انتخاب کرد ولی پس از مدتی فهمید و اثبات کرد که در رشته‌ی دیگری استعداد دارد از تغییری که باید در مسیر رشد و شکوفایی این فرد اتفاق بیفتد جلوگیری نشود. همچنین باید تغییر رشته بین مقاطع کارشناسی و ارشد و ارشد و دکتری برای استعدادهای برتر تسهیل شود. حتی دانشگاه باید به این مسأله کمک کند و اگر کسی در حوزه‌ی خاصی

استعدادی دارد فضای تغییر رشته و هدایت او به آن سمت را ایجاد کند. برای استعدادهای برتر و خصوصاً کسانی که کارهای نخبگانی انجام داده یا استعدادی را بروز داده و اثبات میکنند فضا برای تغییر رشته، گرایش و مسیر تحصیلی فراهم شود. در حال حاضر برخی چیزها غیرممکن است؛ مثلاً اگر کسی در رشته‌های مهندسی یا علوم انسانی تحصیل می‌کرد به راحتی نمی‌تواند به پزشکی تغییر رشته دهد مگر اینکه دوباره کنکور دهد که آن هم نادر و پرهزینه است.

◆ بسترسازی برای رشد استعدادهای غیر تحصیلی

نکته‌ی بعدی توجه به فعالیت‌های غیر تحصیلی است که بسیار هم مهم است. همه‌ی استعدادهای یک فرد، خود را در مسائل تحصیلی و آموزشی نشان نمی‌دهد و لازم است به فعالیت‌های غیر تحصیلی توجه ویژه شود. در مواردی هم که در دنیا وجود دارد، مشاهده می‌شود که کسانی که کارهای بسیار ویژه انجام می‌دهند در سیستم‌های رسمی آموزشی و دانشگاهی موفق نبوده‌اند، لذا باید به استعدادهای غیر تحصیلی اولاً توجه شود، ثانیاً به رسمیت شناخته شده، اعتبار داده شود و زمینه‌های رشد آن فراهم گردد. در ذیل به برخی راه‌کارهای در این زمینه اشاره می‌شود:

۱. یک راه‌کار، توسعه‌ی فعالیت‌ها با فراهم کردن بسترهایی مثل جشنواره، مسابقات و کارهای فوق برنامه است که باید برای آن در آینده‌ی دانشجویان امتیاز در نظر گرفته شود. در نظر گرفتن معدل یا صرفاً یک سری مقالات برای احراز نخبگی یا استعداد برتر بودن یک دانشجو باعث می‌شود استعدادهای دیگر فرد اولاً شکوفا نشود، ثانیاً کسانی که ساختارشکن هستند و توانمندی‌های ویژه‌ای داشته و به سمت آن استعدادهای می‌روند شناخته نشده، به آن‌ها بها داده نشود و نتوانند به شکوفایی برسند.

۲. سازوکارهایی برای به رسمیت شناخته شدن فعالیت‌های

خارج از نظام آموزشی دانشگاه در نظر گرفته شود و به آن‌ها امتیاز داده شده و شامل توجه شوند. ایجاد کسب و کارهای جدید، برگزاری همایش‌ها، نتایج جشنواره‌ها و مسابقات باید در امتیازات افراد، برخوردار از امکاناتی مثل وام‌های تحصیلی، بورس‌ها، کمک هزینه‌های تحصیلی حتی در ادامه تحصیل آن‌ها خود را نشان دهد و صرف شاخصه‌ای درسی و آموزشی نمی‌تواند این تنوع را در دانشگاه‌ها ایجاد کند.

۳. فراهم کردن امکان استفاده از امکانات دانشگاه برای استفاده در امور غیردرسی یکی دیگر از راه‌حل‌هاست. یکی از نکات دیگر این است که در حال حاضر تمام امکانات دانشگاه‌ها غالباً به مباحث آموزشی اختصاص داده می‌شود و اگر کسی بخواهد کاری ایجاد کند با مشکل رو به رو خواهد شد. غیر از چند دانشگاهی که در آن‌ها امکان کارهای خارج از ساختار فراهم است در غالب دانشگاه‌ها استفاده از کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها، سالن‌ها و... برای کارهای غیر از کارهای روزمره‌ی آموزشی و پژوهشی (به معنی پژوهش‌های تعریف شده در سیستم کلاسیک دانشگاهی) فراهم نیست که می‌بایست فراهم شود و بسترسازی لازم برای رشد استعدادها و ایجاد فرصت‌ها صورت گیرد. یعنی اینکه اگر کسی بخواهد با توجه به استعدادهایش کاری را انجام دهد ولو اینکه آن کار در غالب بحث‌های آموزشی و روزمره‌ی دانشگاه نباشد، باید بتواند با حفظ شرایط و اولویت‌بندی‌های لازم از امکانات دانشگاه استفاده کند. بورس‌ها و کمک هزینه‌ها هم می‌تواند به این مسأله جهت دهد، این‌گونه هم نباشد که فقط در دانشگاه‌های مهندسی بورس‌های مهندسی فراهم شود. می‌تواند بورس‌هایی توسط بخش خصوصی در حوزه‌هایی که نیاز دارند ایجاد شود. وصل کردن دانشگاه‌های با حوزه‌های تخصصی مختلف مثلاً دانشگاه علوم انسانی با دانشگاه فنی مهندسی یا دانشگاه هنر

با سایر دانشگاه‌ها و ایجاد گروه‌های بین‌رشته‌ای و پروژه‌های به این شکل نیز می‌تواند استعداد‌های غیر از شاخه‌ی تخصصی افراد را شکوفا کند.

پائول آلن و بیل گیتس بنیان‌گذاران شرکت مایکروسافت

پائول آلن و بیل گیتس بنیان‌گذاران شرکت مایکروسافت هستند. گیتس و آلن از کودکی با یکدیگر دوست بودند و زمانی که هر دو در میانه راه تحصیل دانشگاهی بودند، یعنی در سال دوم دانشگاه، تصمیم گرفتند که دانشگاه را ترک کنند و وارد بازار کسب و کار شوند. آلن در دانشگاه واشینگتن و گیتس در دانشگاه هاروارد مشغول تحصیل بود. آلن پس از دیدن رایانه «آلتیر ۸۸۰۰» بر روی جلد یک مجله تصمیم گرفت، زبان کدگذاری شده‌ای را بنویسد. وی از مهارت‌های خود و گیتس در کدنویسی زبان برنامه برای آلتیر آگاهی داشت و از این رو دوستش را قانع کرد، تا با او همکاری کند. این همکاری منجر به پایه‌گذاری شرکتی شد که امروز به عنوان بزرگ‌ترین شرکت نرم‌افزاری جهان شناخته می‌شود.

آلن امروز یک مولتی میلیاردر و مالک چندین شرکت فناوری و رسانه‌ای است، او تا کنون بیش از یک میلیارد دلار از سرمایه خود را در راه امور خیریه صرف کرده است و قصد دارد بخش بیشتر املاک خود را به خیریه ببخشد. همچنین گیتس که برای سال‌ها عنوان ثروتمندترین مرد جهان را با خود یدک می‌کشید، امروز یکی از اعضای هیئت مدیره مایکروسافت است و به عنوان مشاور در پروژه‌های کلیدی این شرکت حضور پیدا می‌کند.

◆ بسترسازی برای شناسایی و حمایت از استعدادها در زمینه‌های هنری، فرهنگی، مذهبی و

تعریف استعداد و هوش به صورت تاریخی بیشتر بر استعدادهای علمی تمرکز داشته و اغلب سایر جنبه‌های هوش نادیده گرفته شده است. حیطه‌هایی مانند مدیریت و هنر دو نمونه از استعدادهایی است که به صورت سنتی کمتر مورد توجه جوامع مختلف خصوصاً نظام‌های آموزشی بوده است. پذیرش تنوع استعدادها مستلزم توجه به استعدادهای درخشان دانشجویی در عرصه‌های مختلف هنری، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... است. از این رو لازم است تا دانشگاه‌ها علاوه بر توجه به برگزیدگان آموزشی به سایر برگزیدگان دانشجویی توجه کرده و اقدامات لازم جهت شناسایی این استعدادها را طراحی نماید. یکی از راه‌های شناسایی استعدادها در زمینه‌های مختلف، پشتیبانی و حمایت از برگزاری مسابقات هنری، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... و ترتیب اثر دادن امتیاز این مسابقات برای در فرصت‌های رشد آتی در این رشته‌هاست.

باید مسئولان کار علمی در کشور زمینه‌ها را فراهم نمایند و همه کمک کنند راه‌ها را برای جوانان ممتاز و برتر باز کنند، هم در علوم ریاضی، هم در علوم طبیعی، هم در علوم انسانی، هم بخصوص در زمینه ادبیات فارسی، هم در مسائل علوم دینی، هم در فلسفه و در مسائل فکری؛ در همه این رشته‌ها ما احتیاج داریم که کسانی با این استعدادهای درخشان، ان‌شاءالله میدان جلوشان باز باشد و بتوانند پیشرفت کنند که این تکلیف مسئولان را سنگین می‌کند.

مقام معظم رهبری

دیدار نخبگان علمی سراسر کشور - ۱۳۷۸/۷/۱۹

◆ بسترسازی برای شکل‌گیری هسته‌های جوان خودجوش دانشجویی

افزایش پیچیدگی‌ها و حل مسایل واقعی که چندوجهی بودن ویژگی اصلی آن‌ها است، رشد تأثیرگذاری در سطح جامعه و افزایش توانمندی‌های نظام نخبگانی در قالب فعالیت‌های گروهی و تیم‌سازی داشته است. گروه‌ها بر اساس مفهوم هم‌افزایی توان بالاتری به منظور رشد و انجام فعالیت نخبگانی دارند. از همین رو گروه‌های نخبگانی الزاماً گروه‌هایی شامل استعداد‌های برتر و نخبگان نیستند، بلکه می‌توانند شامل گروه‌هایی از افراد متوسط باشند، که فعالیت‌های نخبگانی انجام می‌دهند. در دهه‌های اخیر بسیاری از نوآوری‌های چشمگیر جهانی در عرصه کسب‌وکار، مبتنی بر فعالیت‌های گروه‌هایی در دوران دانشجویی بوده است. از طرفی یکی از راه‌های شناسایی چنین گروه‌های نخبه‌ای، توجه به هسته‌های جوان خودجوش در دانشگاه‌ها است. این گروه‌ها معمولاً در اواخر دوره کارشناسی و یا در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری شکل می‌گیرند. دانشگاه‌ها می‌توانند با افزایش فعالیت‌های فوق برنامه، زمینه لازم را برای شکل‌گیری این گروه‌های فراهم کنند. همچنین لازم است، برخی فضاهای آموزشی و پژوهشی به عنوان بسترهایی که تیم‌ها در آن تشکیل شده و مراحل اولیه را آغاز می‌کنند، انتخاب شوند.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان < راهبرد کلان ۲ >
راهبرد ملی ۲ < اقدام ملی ۲:
ساماندهی و توسعه‌ی هسته‌های فعال دانشجویی، رصد
دائمی و پشتیبانی هدفمند و مرحله‌ای از آن‌ها با هدف
تبدیل این هسته‌ها به گروه‌های نخبه

◆ توسعه انجمن‌های علمی دانشجویی

کسانی که با دانش سروکار دارند، اغلب مایلند در جایی باشند که منابع کافی برای انجام تحقیق برای توسعه تکنولوژی و محصولات جدید

فراهم باشد. از طرفی توسعه علم و شکل‌گیری حوزه‌های تخصصی نیاز به تعامل میان خبرگان حوزه‌های تخصصی را افزایش داده است. به همین دلیل، توسعه انجمن‌های علمی دانشجویی امکان‌شناسایی نخبگان در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌آورد. لذا پیشنهاد می‌گردد، دانشگاه‌ها توجه بیشتری به این انجمن‌ها داشته و ضمن شناسایی استعدادها برتر آنها، با بهره‌گیری از پتانسیل بسیار خوبی که در اختیار دارند مثل اساتید، آزمایشگاه‌ها و غیره، این انجمن‌ها را به سمت توانمند شدن در زمینه حل مسائل کشور هدایت نمایند.

♦ هدایت و تشویق نخبگان به سمت تشکیل گروه‌های نخبه

تحول‌آفرینی و حل مسایل پیچیده کشور نیاز به توانمندی‌هایی فراتر از فرد نخبه دارد و از همین روست که تشکیل گروه‌های نخبه و ساختارهای نخبگانی خصوصا به صورت تخصصی و حرفه‌ای ضرورت می‌یابد. از طرف دیگر، ممکن است چند فرد به تنهایی توانایی‌های لازم برای فعالیت‌های نخبگانی نداشته باشند اما زمانی که کنار هم قرار می‌گیرند، تشکیل یک گروه نخبه با توانایی بالا را تشکیل می‌دهند. لذا هدایت افراد به سمت گروه‌های نخبه یکی از مهم‌ترین رسالت‌های دانشگاه‌ها در راستای تقویت نظام نخبگانی کشور است.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان < راهبرد کلان ۲ >

راهبرد ملی ۲ < اقدام ملی ۳ >

حمایت از متشکل شدن دانشجویان و دانش‌آموزان فعال در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی، فناورانه، فرهنگی، قرآنی و هنری در قالب پژوهشکده‌های دانشجویی و پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی - هنری، تشکل‌های نخبگانی و مانند آن با رعایت ضوابط و مقررات جاری کشور و با تأکید بر سهولت تأسیس گروه، ضابطه‌مندی و مسؤولیت‌پذیری، نظارت و پایش مستمر، و پشتیبانی مرحله‌ای و تدریجی از آن‌ها

♦ توسعه نهادهای رقابتی به عنوان سازوکار نظام نخبگانی

یکی از راه‌های شناسایی نخبگان، استفاده از سازوکارهای رقابتی است. هر نهاد رقابتی تعدادی از مشارکت‌کنندگان را از میان کل مشارکت‌کنندگان شناسایی می‌کند که دارای توانمندی بیشتری نسبت به سایرین هستند. به منظور ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت‌کنندگان و سازوکارهای رقابتی مناسب، نهادهای رقابتی نخبگانی نیازمند آئین‌نامه‌های رسمی به منظور ارزیابی و سطح‌بندی هستند. در این راستا لازم است دانشگاه‌ها در حوزه اختیارات خود اقدامات ذیل را اجرا نمایند:

- ◊ ایجاد سازوکارهای نظارتی در خصوص تضمین اجرای آئین‌نامه‌ها در زمینه‌های تضمین سازوکارهای انتخاب، تضمین متناسب بودن معیارهای انتخاب، و تضمین جواز.
- ◊ ارزیابی و سطح‌بندی نهادهای رقابتی و اعتبارسنجی برگزیدگان هر یک از نهادهای رقابتی، به منظور استفاده در تمایز‌گذاری میان اجتماع نخبگانی
- ◊ توسعه تنوع حوزه‌ای در المپیادها و مسابقات و گسترش المپیادهای علمی از حوزه‌های مرسوم، مانند ریاضیات، شیمی و ... به حوزه‌های دیگر مانند مهارت‌ها کلامی، حرفه‌ای و ...

♦ پرهیز از برچسب زدن عناوینی مثل نخبه و تیزهوش بر افراد مستعد در فرایندهای شناسایی و کشف استعدادها

برچسب‌زنی به عنوان پیامد بسیاری از سازوکارهای شناسایی شناخته می‌شود، که منجر به تخصیص حقوق ویژه برای برخورداران از برچسب، خدشه‌پذیری برابری و عدالت اجتماعی، گسترش موضع‌گیری جامعه در مقابل برخورداران از برچسب و بازتولید شکاف اجتماعی می‌شود. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین ویژگی سازوکارهای شناسایی مبتنی بر عدم برچسب‌زنی باید باشد.

با توجه به اینکه طبق سیاست‌ها و رویکردهای سند ملی نخبگان باید

از برچسب زدن بر افراد مستعد و نخبه خصوصاً در اوایل مسیر نخبگی پرهیز نمود، لازم است این موضوع را در فرآیندهای شناسایی و کشف استعدادها برتر مدنظر قرار داد. استفاده از عناوین تخصصی به جای عناوین عمومی در این مرحله بسیار ضروری است. به عنوان مثال به جای شناسایی یک فرد به عنوان تیزهوش یا نخبه یا استعداد برتر به صورت عام رفتن به سمت روش‌هایی که استعدادها را خاص افراد مثلاً در زمینه درسی، فرهنگی، هنری و امثال این‌ها را نشان می‌دهد بهتر است.

♦ **اجرای برنامه‌های فرهنگی و اعتقادی برای دانشجویان نخبه**

یکی از موضوعات مهم، چگونگی انجام کار فرهنگی، دینی و اعتقادی برای دانشجویان نخبه است. مسلم است که روشهای مستقیم و آموزشی دینی و اخلاقی روی نخبگان تأثیرگذار نخواهد بود و یا تأثیر اندکی خواهد داشت. فراهم کردن بستر تجربه‌های معنوی و دینی و برخوردی در این قالبها ممکن است بر آنان تأثیر بگذارد. باید آموزشها یا به عبارت بهتر بحثهای توانمندسازی در این حوزهها به سمت کارهای ضمنی و غیرمستقیم پیش برود. کسانی که از نظر ذهنی افراد توانمندی هستند اگر قاعده و چارچوب را پذیرفتند میتوانند بر اساس آن تصمیم بگیرند، زندگی کنند، رفتار نمایند و آن را در شئون مختلف زندگی خود تعمیم دهند. در این زمینه توجه به نکات زیر مفید می‌باشد:

۱. درگیر کردن نخبگان با محتواهای ریز و بحثهای اعتقادی جزئی و طرح بحثهای فلسفی شاید چندان مفید نباشد، باید نخبگان را با افراد تأثیرگذار، معنوی و اخلاقی مرتبط کرد، البته باید خود این افراد نخبه باشند یا طعم نخبگی را چشیده باشند، نخبگان را درک کنند و ویژگیهای آنها را بشناسند تا بتوانند درست با آنها تعامل کنند و ضمن تعامل، زندگی و

رابطه با آن‌ها مفاهیم، اعتقادات و بحث‌های دینی و اعتقادی را منتقل کنند.

۲. نکته‌ی مهم دیگر این است که توجه به افراد به واسطه‌ی یک مشخصه باعث تقویت آن مشخصه در آنان می‌شود؛ یعنی اگر به یک نفر به واسطه‌ی فعالیت علمی توجه شود، باعث می‌شود این فرد در یک حلقه‌ی تشدید افتاده و مشخصه‌ی علمی او رشد کند. همین طور در مسائل ورزشی و هنری و... در بحث‌های اعتقادی و دینی هم همین طور؛ یعنی اگر فردی به واسطه‌ی یک رفتار یا باور مورد توجه قرار گرفت، به صورت ضمنی این قاعده را فهم می‌کند که این مشخصه، مطلوب و مثبت است و به دنبال تقویت آن می‌رود. اما متأسفانه در برخی موارد محیط برعکس آن را القا می‌کند و افراد را به ناهنجاریها و ضدا ارزشها تشویق می‌کند. برخی از ناهنجاریهایی که در حال حاضر تبدیل به ارزش شده‌اند حاصل همین مسأله هستند. درس نخواندن و نمره گرفتن که به یک افتخار تبدیل شده از جنس همین نوع اعتبار است. اگر این اعتبارات به سمت بحث‌های اعتقادی، دینی و ارزشی برود (که باید در محیط‌های نخبگانی خیلی به آن توجه شود که چه رفتارهایی مورد توجه محیط قرار می‌گیرد) خودبخود افراد دنبال آن می‌روند تا آن را تقویت کنند. اگر کسی صحبتی ارائه کرد که مبتنی بر ارزشهای دینی بود و مورد توجه قرار گرفت سعی می‌کند آن را بیشتر بروز دهد و در آن جهت حرکت کند (نکته این است که اگر فردی صحبتی را انجام داد، نسبت به آن تعلق و تعصب پیدا می‌کند) خلاف آن نیز همین طور، بنابراین باید علاوه بر اینکه بستر بروزات مثبت فراهم می‌شود بستر بروزات منفی و ابراز عقاید خلاف اخلاق، ارزشها و رفتارهای

ناهنجار و غیرارزشی گرفته شود. تا وقتی افراد چیزی را بروز نداده‌اند تغییر ساده‌تر است، وقتی بروز دادند و به یک ویژگی شناخته شدند به دلیل آن‌که جزئی از وجود آن‌ها می‌شود نسبت به آن تعصب و تعلق پیدا کرده و از آن دفاع میکنند. بسیاری از دفاعهایی که از موارد غیراخلاقی می‌شود حاصل این است که فرد در یک برهه کلام یا رفتاری از خود بروز داده و میخواهد از آن دفاع کند، لذا باید بسترهای بروز این رفتارها با روشهای مختلف برچیده شود. واداشتن افراد به کار و درس خواندن باعث می‌شود بسترهای بروزات نامطلوب و منفی از بین برود. پس یکی از نکات مهم ایجاد بسترهای مثبت و توجه به بروزات مطلوب استعدادهای برتر در دانشگاهها، بها دادن به اساتید با اخلاق و ارزشی و محوری کردن آنها، آوردن افراد ارزشی به محیطهای دانشجویی که با آنها زندگی کنند، اردوها و محیطهای کاری میباشد.

۳. نکته‌ی دیگر این است که افراد نسبت به کسی که نزد او کار می‌کنند یک نوع تبعیت و خضوع پیدا می‌کنند. وقتی رئیس یک شرکت ایده‌ای دارد این ایده در سایر اجزای آن تسری پیدا می‌کند (خصوصاً در محیطهای دانشجویی که تأثیرپذیرتر هستند) و این نکته بسیار مهم است که افرادی که تبدیل به محور می‌شوند افراد مطلوبی باشند. سن دانشجویی سن دلبستگی است، سنی که ممکن است دلبستگی‌هایی برای افراد ایجاد شود و الگوهایی برای خود انتخاب کنند. موفقیت‌هایی در دوران دانشجویی در ذهن فرد تعریف می‌شود و تصور می‌کند اگر بخواهد موفق شود باید به آن‌ها برسد، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که ویژگی‌های اخلاقی، اعتقادی و رفتاری این الگوی

موفق، مبتنی بر اصول، مبانی و ارزش‌های دینی و اعتقادی باشد، یعنی الگویی که در ذهن فرد به عنوان یک انسان موفق شکل می‌گیرد (موفق علمی، کاری یا اجتماعی) و می‌خواهد به او برسد (که اغلب در زمان دانشجویی این اتفاق می‌افتد؛ افراد یک تصویر از آینده در ذهن خود شکل می‌دهند) باید شامل ویژگیهای مثبت باشد. این تصویر است که افراد را به صورت ناخودآگاه در طول زندگی به سمت خود میکشد. بنابراین زمینه حضور افراد موفق که ویژگیهای مطلوب اخلاقی دارند و برچیدن یا کم کردن زمینه حضور افرادی که از نظر کارکردی موفقاند (یک نخبه علمی، پژوهشی، کاری یا یک سرمایه‌دار و مسئول) اما ویژگیهای اخلاقی، معنوی و اعتقادی منفی دارند، فراهم شود. چرا که این افراد ناخودآگاه تبدیل به الگو میشوند، دانشجو نیز موفقیت را به صورت یک کل میبیند که برای موفق شدن باید مثل او شود لذا از رفتارهای او تبعیت میکنند، اعتقادات او را به عنوان اصول اعتقادی میپذیرد. الگوسازی نه به معنی الگوسازی شفاهی و آموزشی بلکه حضور، همکاری و تعامل و زندگی کردن با افراد موفق مهم است و باید در این الگوسازیه دقت جدی شود.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان < راهبرد کلان ۱ >

راهبرد ملی ۲ > اقدام ملی ۸:

گسترش برنامه‌های پرورش دینی و فرهنگی اجتماع نخبگانی بر اساس استمرار در کار فرهنگی، آموزش‌های مربی‌محور، سیرهای مطالعاتی اعتقادی و توجه به وجوه جامع دین با استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، مساجد و مراکز فرهنگی کشور

هر چه درس بخوانید و بخوانیم، اگر چنانچه به راه مستقیم نباشیم و مهار نکنیم معلومات خودمان را و مهار نکنیم نفس خودمان را و در این راه مستقیم نکشیم نفس را، هر چه معلومات زیادتر بشود، از انسانیت، انسان دورتر می شود و مشکل تر می شود انسان خودش را برگرداند.
حضرت امام خمینی (ره)
صحیفه نور، جلد ۹، صفحه ۸

♦ توجه به اقتضانات خاص استعدادهاى برتر در اجرای برنامه‌های فرهنگی و اعتقادی

در سند راهبردی کشور در امور نخبگان به برنامه‌های تربیتی و آموزشی به عنوان یکی از اقدامات مهم اشاره شده است که باید ساماندهی شده و توسعه پیدا کند اما اقتضانات استعدادهاى برتر باید در این برنامه‌ها در نظر گرفته شود که یکی از آنها همان‌گونه که گفته شد این است که برنامه‌های مبتنی بر آموزش متنی و آموزشهای کلاسیک و کلامی ممکن است مفید نباشد؛ برگزاری اردوها، هماندیشیها، مناظره‌ها و کرسیهای آزاداندیشی و نظریه‌پردازی که به صورت تعاملی و مشارکتی بین دانشجویان انجام شود و آنها را به چالش بکشاند یا معرفی دوره‌های ویژه‌ای که فقط کسانی که نخبه هستند بتوانند در آنها شرکت کنند برای ایجاد انگیزه و آموزش توانمندیهای ویژه میتواند مفید باشد. یکی از بهترین گزینه‌ها، آموزش ترکیبی است، یعنی استفاده از اساتیدی که میتوانند در خلال مطالب تخصصی و مهارتهای عمومی، مباحث دینی، اعتقادی و تربیتی را منتقل کنند. (البته رفتار اساتید برای دانشجو نیز بزرگ‌ترین کلاس تربیتی است که باید مد نظر قرار گیرد).

♦ بسترسازی برای انس دانشجویان با قرآن

نکته‌ی دیگر بسترسازی برای انس دانشجویان با قرآن است. انس با قرآن مرکز ثقلی است که باید بستر آن در بین دانشجویان استعدادهاى

برتر که توان ذهنی ارتباط با قرآن را دارند، فراهم شود، خصوصاً موانع آن برداشته شود؛ یعنی فرد بتواند افتخار کند به اینکه با قرآن تعامل دارد، روی آن وقت بگذارد و آن را در برنامه‌ی خود بگنجاند. نباید این کار به صورت اجباری و اختصاص واحد درسی صورت گیرد، باید ساز و کارهای مناسب نخبگانی و جذاب برای آن فراهم شود.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان <راهبرد کلان ۵>

راهبرد ملی ۱ <اقدام ملی ۱>

ترویج فرهنگ انس با قرآن، معارف عترت علیهم السلام و اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی در بین اجتماع نخبگانی به منظور ارتقای بینش دینی و تعمیق انگیزه‌های معنوی در خدمت به جامعه.

◆ تقویت دلبستگی استعدادها و نخبگان به کشور، فرهنگ و مردم

از دیگر بحثهای فرهنگی، دلبستگی به کشور است که بخشی از آن ذاتی و فطری است که باید تقویت شده و خوب بودن آن ذکر شود. متأسفانه در حال حاضر اینکه فرد هیچ تعصبی به شهر و کشور نداشته باشد تبدیل به ارزش شده است، اما اینگونه نیست؛ طبق روایات حب وطن یکی از حبهای مورد تأیید و مطلوب دین است، لذا باید ترویج شود، و علاوه بر آن کارکردهای مثبت کشور هم گفته شود. کارکردهای منفی خودبخود تسری پیدا میکند؛ مردم مشکلات را زودتر میبینند اما کارکردهای مثبت را یک مسأله‌ی عادی میپندارند که باید وجود داشته باشد. دانشجویان و اساتید نیز در بحثهای خود از کاستیها صحبت میکنند؛ این کاستیها به صورت ناخودآگاه یک حس بدبینی ایجاد میکند مضافاً اینکه نکات مثبت خارج از کشور هم گفته میشود و یک مقایسه اتفاق میافتد و این تصور ایجاد میشود که در داخل چیزی وجود ندارد و همه چیز در خارج از کشور است. این مسأله در خروج دانشجویان

نیز تأثیر دارد. در بحث فرهنگی باید دستاوردها، زیباییها و نقاط قوت و مثبت کشور برای دانشجویان بازگو شود، آن هم نه به صورت کلاسی که اتفاقاً میتواند تأثیر منفی داشته باشد بلکه باز دیده‌ها، اردوها، برنامه‌های گروهی و دسته‌جمعی، خصوصاً ایجاد زمینهی حضور در مراکز مختلف، جهت‌دهی به اردوها، ساماندهی اردوهای دانشجویان استعداد‌های برتر و در نظر گرفتن تورهای جذاب میتواند مفید باشد و در ضمن آنها میتوان تجربه‌های اعتقادی، معنوی و دینی را اضافه کرد و به الگوسازی افراد موفق نیز پرداخت. این اقدامات باعث میشود در فرد یک آگاهی و یک حس ایجاد میشود، آگاهی از موفقیتها و دستاوردها و حس اینکه او هم میتواند تأثیرگذار بوده و میتواند به کشور خدمت کند و بخشی از موفقیت کشور باشد و انگیزه و دغدغه در او ایجاد شود.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان < راهبرد کلان ۵ >

راهبرد ملی ۱ < اقدام ملی ۳:

آشنا ساختن اجتماع نخبگانی با جاذبه‌های طبیعی، زیارتی، فرهنگی و اجتماعی کشور به منظور ارتقای خودآگاهی ملی و حس دلبستگی به میهن و همچنین افزایش آگاهی از خدمات متقابل اسلام و ایران با تأکید بر جایگاه بی‌بدیل اسلام در شکل‌دهی به هویت ایرانی و ارتقای تمدن ایرانی.

◆ استفاده از نخبگان اجتماعی خارج از دانشگاه (کارآفرینان، مدیران، هنرمندان، عناصر فرهنگی)

نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که باید بتوان از نخبگان اجتماعی که ممکن است استاد دانشگاه نباشند در آموزش استعداد‌های برتر استفاده کرد. ظرفیتهای بسیار خوبی در سطح جامعه وجود دارد؛ صاحبان کسب و کار، نوآوران، مدیران، هنرمندان، کسانی که فعالیت ویژه‌ای انجام میدهند، عناصر فرهنگی و نخبگان دینی کسانی هستند که

در کشور تأثیرگذار هستند ولی لزوماً در سیستمهای دانشگاهی حضور ندارند. فراهم کردن بستر برای حضور این افراد در دانشگاهها ضمن اینکه منجر به انتقال تجارب، داشتهها و دانستههای آنها به استعدادهای برتر میشود، به الگوسازی و هدایت دانشجویان نیز کمک میکند و بسیار هم جذاب است؛ اینکه متناسب با درس، به صورت مطالعهی موردی از نخبهای دعوت شود که تجربیات خود را بازگو کند یا در قالب بازدید دانشجویان با فرد دیدار کنند و تجارب و اطلاعات منتقل شود. این فضا به استعدادهای برتری که بسیار ایدهآل فکر میکنند و با واقعیت فاصله دارند بسیار کمک میکند تا با واقعیتها بیشتر آشنا شوند، سختیها، مشکلات و چالشها و روشهای فائق آمدن بر مشکلات را یاد بگیرند، تجربیها را ببینند و دوبارهکاری و خطاها کمتر شود.

یکی از مزایای قابل توجه استفاده از نخبگان اجتماعی، شکلگیری ارتباط بین آنها و دانشجویان است. ارتباط عامل بسیار مهمی در رشد است. یکی از بخشهای توانمندسازی بحث ارتباطات است، فردی که یک سری ارتباطات در او شکل بگیرد بسیار سریعتر و راحتتر از کسی که تنها و در یک خلأ میخواهد شروع به فعالیت کند رشد میکند. در تعاملات بین نخبگان اجتماعی و استعدادهای برتر دانشجویی ارتباطاتی شکل میگیرد که به توانمندسازی و هدایت دانشجویان استعداد برتر کمک میکند. ضمن آن که ممکن است بسیاری از آنها بعدها در همان سیستمها جذب شوند. به عنوان مثال، در جلسهی ارائهی صاحب یک کسبوکار، ارتباطی شکل میگیرد و ممکن است خیلی از افراد مستعد را در سیستم خود جذب کند که به اثرگذاری هم منجر خواهد شد.

♦ تفکیک هرمهای مختلف رشد و ارتقای هیئت‌های علمی در دانشگاهها

یک نکتهی جدی که در دانشگاهها وجود دارد بحث عدم تفکیک هرمهای مختلف رشد و ارتقای هیئت‌های علمی است که دانشجویان

نیز با آن درگیر هستند، یعنی مثلاً هرم ارتقای آموزشی و پژوهشی و هرم اجرایی از هم تفکیک نشده‌اند. تفکیک این هرم‌ها می‌تواند به ارتقای هر دو سیستم کمک کند. استادی که در آموزش موفق است برای رشد و ارتقای مرتبه‌ی علمی خود باید مقاله بنویسد تا پویایی خود را اثبات کند و لو اینکه او در آموزش و انتقال مطالب استاد خوبی است. لزوماً نباید نیازی باشد که این استاد پژوهش خوبی نیز داشته باشد. در پژوهشکده‌ها هم همین طور، کسی که پژوهشگر است نیازی ندارد که سوابق اجرایی یا آموزشی داشته باشد. استادی که چند دانشجو (مخصوصاً دانشجوی تحصیلات تکمیلی) دارد از طریق مقالاتی که این دانشجویان چاپ می‌کنند و اسم این استاد را می‌آورند در یک سال چندین مقاله به نامش چاپ می‌شود و با وجود اینکه کارش کار پژوهشی نیست و لسی رزومه‌ی پژوهشی پرباری دارد، چون چند پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد و رساله‌ی دکتری را راهنمایی کرده است و از هر کدام چند مقاله استخراج شده یا در درس‌های مختلفی که ارائه نموده از دانشجویان مقاله خواسته و این‌گونه ارتقاء پیدا میکند، اما کسی که در یک پژوهشگاه به تنهایی یا با چند نفر همکار پژوهشی کار می‌کند نمی‌تواند در این حجم کار کند. این است که اغلب اساتید به سمت دانشگاه‌ها سوق پیدا می‌کنند و پژوهشگاه‌ها از نیروی انسانی توانمند خالی می‌شود و این مسأله باعث ضعف سیستم‌های پژوهشی می‌گردد. همین طور در بحث‌های مدیریتی، یک استاد برای آن‌که ارتقاء پیدا کند باید مسئولیتی در دانشگاه داشته باشد. مسئولیت اجرایی امتیاز فرض می‌شود. بنابراین برای اینکه امتیاز بالایی داشته باشد کار اجرایی قبول میکند. ممکن است استادی باشد که توانمندی علمی در خوری ندارد اما به خاطر فعالیت‌های اجرایی، مرتبه‌ی علمی بالایی را کسب کند. لذا تفکیک سه هرم آموزشی، پژوهشی و اجرایی در دانشگاه‌ها و اختصاص دادن امتیازات متفاوت به آن‌ها می‌تواند هرم‌های نخبگانی چندگانه را ایجاد کند که هم در تنوع شناسایی و رشد نخبگان

موثر است و هم در افزایش کیفیت هر مه‌ای نخبگانی و ظرفیتهای آن، پاسخگویی را هم افزایش خواهد داد.

◆ توسعه‌ی کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاد اندیشی

کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی دو نهاد اصلی در ایجاد فضای تعاملی و تضارب آراء در جامعه‌ی نخبگانی است که از مهم‌ترین ثمرات آن می‌توان به بروز استعدادها و شناخته شدن نخبگان اشاره کرد. دانشگاه‌ها می‌توانند با ترویج این ابزارها، راه را برای بروز و رشد استعدادهای پنهان در زمینه‌های مختلف باز نمایند.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان <راهبرد کلان ۳>

راهبرد ملی ۱ <اقدام ملی ۳:

ارزیابی و گسترش فعالیت‌های کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره نخبگانی و برنامه‌ریزی برای تبدیل آن‌ها به محل حضور و تعاملات فکری گسترده‌تر نخبگان و اندیشمندان

فصل دوم – حمایت و توانمندسازی استعدادها

۲-۱. مقدمه

تبدیل استعدادها و قابلیت‌های نهفته در انسان به فعالیت‌ها و دستاوردهای مطلوب نیازمند توجه، حمایت و توانمندسازی است. این موضوع خصوصاً در مورد استعدادهای برتر که سرمایه‌های انسانی کشور هستند و می‌توانند در آینده نخبگان جامعه را شکل داده و نقش مهمی را در پیشرفت و ارتقاء کشور ایفا کنند، بسیار اهمیت دارد. حمایت و توانمندسازی استعدادهای برتر مانند رسیدگی به نهال یا جوانه برای رسیدن به رشد و کمال و ثمردهی مناسب است. بی‌توجهی و عدم زمینه‌سازی مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادها منجر به هدر رفتن آن‌ها و حتی تبدیل شدن آن‌ها به عوامل منفی جامعه خواهد شد.

در سند راهبردی کشور در امور نخبگان به این مسأله به خوبی توجه شده و لذا در دومین راهبرد کلان به «توانمندسازی اجتماعات نخبگانی در چارچوب گفتمان اسلامی-ایرانی» اشاره گردیده و ذیل آن راهبردهای ملی زیر تعریف شده است:

♦ پشتیبانی تدریجی، مشروط و متنوع بر اساس انجام فعالیت‌های نخبگانی و میزان رشد در مسیر نخبگی

◆ زمینه سازی برای پرورش افراد نخبه و شکل گیری گروه‌های نخبه در جامعه

از طرف دیگر، می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین دوران حیاتی برای حمایت از استعدادها و مهیا کردن زمینه رشد و شکوفایی برای آنها دوران دانشجویی است، لذا در این فصل برخی نکات مرتبط با حمایت و توانمندسازی استعدادهای برتر و نخبگان در چارچوب راهبردهای سند و نیز اجرایی سازی اقدامات ملی تعریف شده در آن، ارائه می‌گردد.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان-راهبرد کلان ۲:
توانمندسازی اجتماعات نخبگانی در چارچوب گفتمان
اسلامی-ایرانی

۲-۲. راه کارها و رویکردهای صحیح در حمایت و توانمندسازی استعدادهای نخبگان

در کادر ذیل چند راه کار در رابطه با حمایت و توانمندسازی استعدادهای که بر اساس محتوای سند راهبردی کشور در امور نخبگان و اسناد پشتیبان آن استخراج شده‌اند، ارائه و در ادامه تشریح شده‌اند:

- ◆ تأمین عدالت و فرصت برابر برای رشد همه استعدادها
- ◆ توجه ویژه به دانشگاه‌های درجه دوم و سوم
- ◆ شناسایی افراد نیازمند جهت پشتیبانی‌های جبرانی
- ◆ توسعه ابزارهای پشتیبانی متنوع از اجتماع نخبگانی
- ◆ پشتیبانی در عرصه‌های آموزشی و غیر آموزشی
- ◆ توسعه توانمندی‌های گروه‌های نخبگانی
- ◆ توجه به عدم کارایی پشتیبانی‌های دائم از نخبگان
- ◆ فراهم کردن بستر فعالیت و کاهش هزینه فعالیت‌ها
- ◆ به جای حمایت‌های مستقیم مالی
- ◆ تأمین نیازهای اساسی نخبگان

- ◆ تدوین استانداردهای لازم در اختصاص امکانات و فضاهای آموزشی به استعداد‌های برتر
- توانمندسازی در زمینه مهارت‌های عمومی
- ◆ پشتیبانی مادی و معنوی در جهت کاهش هزینه شکست فعالیت‌های دانشجویی
- ◆ مدیریت و تأمین دسترسی به اطلاعات و دانش برای نخبگان
- ◆ ایجاد فضای همکاری بین دانشگاه‌ها و دسترسی به منابع علمی تولیدی (مقالات و پایان‌نامه‌ها)

◆ تأمین عدالت و فرصت برابر برای رشد همه استعدادها

بحث عدالت در موضوع توجه به استعداد‌های برتر و نخبگان دانشگاهی یک بحث جدی است. باید کاری کرد که امکانات به صورت عادلانه (یا همان تعریف سند که در آن عدالت به معنی فرصت برابر است) توزیع شود و استعداد‌های برتر بتوانند از امکانات موجود به صورت عادلانه استفاده کنند. نکته‌ی مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که در کنکور غیر از استعداد و توانمندی افراد، میزان برخورداری آن‌ها در اینکه در چه رشته و دانشگاهی قبول میشوند تأثیر جدی می‌گذارد، لذا شیوه‌ی پذیرش دانشگاه‌ها ممکن است قدری با مفهوم فرصت برابر و عدالتی که در سند ملی نخبگان بر آن تأکید شده است، تناقض داشته باشد. بنابراین بنیاد ملی نخبگان و سایر نهادهای مسئول در سیستم آموزش عالی باید توجه و ویژه‌ی داشته باشند تا از بازتولید مشکلی که در کنکور بوجود می‌آید جلوگیری شود. این مشکل ممکن است شدیدتر شود و افراد برخوردار در یک مکان متمرکز شده و افراد کمتر برخوردار محروم بمانند و این حلقه به صورت پیوسته خود را بازتولید کند که باید از آن جلوگیری کرد.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان < راهبرد کلان ۲ >

راهبرد ملی ۱ < اقدام ملی ۱:

ایجاد فرصت فعالیت برای صاحبان استعداد های برتر و نخبگان در مناطق مختلف با ایجاد سازوکار های حمایتی در زمینه های آموزشی، پژوهشی و مهارتی و نیز حمایت از توسعه ی فعالیت بنیاد های خیریه ی علمی، فرهنگی و اجتماعی و نظارت بر آنها

توجه ویژه به دانشگاه های درجه دوم و سوم

یکی از اشتباهاتی که در زمینه حمایت از استعدادهای برتر در کشور صورت می گیرد، این است که در چند دانشگاه برتر کشور (شریف، تهران، امیرکبیر، شهید بهشتی و چند دانشگاه از شهرهای بزرگ) به استعدادهای برتر توجه بیشتری میشود، غافل از اینکه این دانشگاهها دارای محیطهای نخبگانی هستند و معمولاً از نظر استاد و امکانات برخوردارند و فرآیندهای رشد، پرورش و توسعه ی استعدادهای برتر کم و بیش در آنها اتفاق میافتد. هرچند که محدودیتهایی در امکانات وجود دارد اما محیط دانشگاههای برتر خودبخود محیط نخبگانی است، منابع خوبی هم به آنها تخصیص داده میشود. بنیاد نخبگان و وزارت علوم و بخش استعدادهای برتر آن باید توجه ویژه ای به سایر دانشگاهها (دانشگاههای درجه دوم و سوم) داشته باشند، که اگر احیاناً استعداد برتری در این دانشگاهها وجود دارد بتواند فرصت رشد را در دوران دانشجویی پیدا کرده و در هرم نخبگانی کشور ارتقاء یابد. بنابراین باید یک تمرکز ویژه بر روی برنامههای ویژه استعدادهای برتر در دانشگاههای درجه دوم و سوم وجود داشته باشد که متأسفانه کمتر است و این مسأله در دانشگاههای برتر و برخوردار بیشتر اتفاق میافتد. در زیر به برخی از راهکارهای این مسأله اشاره می شود:

۱. از جمله کارهایی که میتوان انجام داد، خوشه بندی دانشگاههاست، یعنی یک دانشگاه سرگروه سایر دانشگاهها

باشد که البته این کار باید ضمانت اجرایی داشته باشد و رتبه‌بندی، ارتقاء، امتیازدهی و ارزیابی دانشگاه‌های برتر منوط به رشد دانشگاه‌هایی (دانشگاه‌های درجه دوم و سوم) باشد که به آن وصل هستند و دانشگاه‌های برتر موظف باشند که برای افزایش کیفیت و ارتقای سیستم‌های مختلف محتوایی، آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌های درجه پایینتر اقدامات لازم را انجام دهند. تشکیل گروه‌های کاری بین دانشگاهی چه در سطح اساتید و چه در سطح دانشجویان می‌تواند بسیار مؤثر باشد، انجام پروژه‌های دانشگاهی مشترک، پایان‌نامه‌های بین دانشگاهی، برگزاری مسابقات، جشنواره‌ها و همایش‌ها، که برخورد و تجمع استعدادهای برتر بین دانشگاه‌های مختلف را تسهیل میکند باعث میشود استعدادهای برتر دانشگاه‌های مختلف بتوانند همدیگر را ببینند و با هم همکاری داشته باشند. این مسأله خودبخود فضا و بستر رشد افرادی که از مرکز و از امکاناتی که در مرکز تجمع پیدا کرده دور هستند را فراهم میکند.

۲. کار دیگری که برای تمرکززدایی و رسیدگی بیشتر و پرورش استعدادهای برتر سایر نقاط کشور میتوان انجام داد شبیه طرحی است که در حوزه‌ی پزشکی انجام میشود و آن مأمور کردن اساتید است، به این شکل که اساتید دانشگاه‌های برتر، مأموریتها و طرحهای مقطعی در دانشگاه‌های دیگر داشته باشند که در رتبه‌بندی آنها امتیاز داشته باشد.

۳. طرح دیگر برعکس طرح فوق است؛ یعنی فراهم کردن بسترهایی برای انتقال استعدادهای برتر به مراکز آموزش عالی و پژوهشی برتر کشور در قالب فرصتهای مطالعاتی داخلی. همان طور که در حال حاضر فرصتهای مطالعاتی خارجی وجود دارد که هزینههای سنگین

آن را وزارت علوم تأمین میکند، میتوان فرصتهای مطالعاتی داخلی از دانشگاههای کمتر برخوردار و درجه دوم و سوم به دانشگاههای برتر کشور تعریف کرد تا استعدادهای برتر این دانشگاهها با درخشش در دانشگاه خود و احراز پاره‌های از شرایط بتوانند فرصتهای مطالعاتی در دانشگاههای برتر داشته باشند. این کار دسترسی استعدادهای برتر دانشجویی مناطق مختلف کشور به امکانات و منابع مناسب را فراهم میکند تا آنها نیز بتوانند فرصت رشد پیدا کنند.

◆ شناسایی افراد نیازمند جهت پشتیبانی‌های جبرانی

یکی از مهم‌ترین زنجیره‌های مدیریت نظام نخبگانی حمایت‌های جبرانی است. جوامع مختلف از شکاف‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند و به همین دلیل همواره کاهش شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی یکی از اهداف نظام‌های مختلف حاکمیتی بوده است. شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی به دلایل مختلفی منجر به بازتولید خود می‌شوند. لذا باید از طریق اعطای بورس‌های تحصیلی غیردائم، جوایز آموزشی، تربیتی، مهارتی و پژوهشی و توسعه‌ی بنیادهای خیریه‌ی علمی، فرهنگی و اجتماعی از صاحبان استعدادهای برتر کم برخوردار اقتصادی در سطوح و حوزه‌های مختلف حمایت گردد. در این زمینه لازم است، دانشگاه‌ها تمهیدات مورد نیاز نسبت به شناسایی این چنین افرادی جهت معرفی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای دریافت پشتیبانی‌های جبرانی انجام دهند.

حمایت‌های جبرانی در نظام نخبگانی ایالات

متحدہ

حمایت‌های جبرانی در نظام نخبگانی ایالات متحدہ کہ «فرصت‌های برابر» را به عنوان ارزش کلیدی نظام آموزشی خود دارد، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. دولت فدرال به همین دلیل ۸ برنامه مختلف را با سازوکارهای مختلفی به عنوان حمایت‌های جبرانی تدوین کرده است. هر چند سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریه‌ای متفاوتی نیز در حوزه‌های مختلفی به این امر مشغول هستند. هدف برنامه‌های دولتی در خصوص حمایت‌های جبرانی، توسعه استعدادهایی است کہ از پس‌زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی نامناسب رنج می‌برند. این برنامه‌ها عبارتند از:

- ◆ جستجوی استعدادها
 - ◆ مراکز فرصت‌های آموزشی (Educational Opportunity Centers)
 - ◆ محدودیت‌های ترقی (Upward Bound)
 - ◆ برنامه موفقیت پس از لیسانس رونالد مک‌نایر (Ronald E. McNair Post-Baccalaureate Achievement Program)
 - ◆ محدودیت‌های ترقی علوم ریاضی
 - ◆ خدمات پشتیبانی دانش‌آموزی (Student Support Services)
 - ◆ محدودیت‌های ترقی کهنه‌سربازان (Veterans Upward Bound)
 - ◆ برنامه‌های آموزش حین کار کارمندان (Training Program for Federal TRIO Programs Staff)
- از آن‌جایی کہ شکاف‌های جامعه می‌تواند ناشی از شکاف‌های اقتصادی یا اجتماعی یا سایر انواع دیگر شکاف باشد،

لذا شناسایی و حمایت جبرانی نیز متفاوت است. تمامی این برنامه‌ها بر اساس قانون حمایتی آموزش عالی در سال ۱۹۶۵ شکل گرفته است و از آن سال تاکنون بارها سازوکارهای اجرایی آن تغییر کرده است. در این قانون که در دوران ریاست جمهوری جانسون آغاز شده است، دولت فدرال اجازه یافته است تا از طریق وزارت آموزش بخشی از بودجه عمومی را به عنوان کمک‌های مالی یا خدمات اجتماعی و آموزشی در اختیار افراد آسیب‌پذیر از شکاف‌های اجتماعی قرار دهد. در ادامه به عنوان نمونه، یک برنامه به صورت خلاصه معرفی می‌گردد:

برنامه موفقیت پس از لیسانس رونالد مک‌نایر

این برنامه دانشجویان در حال فارغ‌التحصیلی از مقطع کارشناسی را مورد حمایت قرار می‌دهد. بورس اعطا شده در این برنامه با هدف کاهش تبعیضات اجتماعی طراحی شده است. مک‌نایر یکی از سرنشین‌های فضاپیمای چلنجر بود که در سال ۱۹۸۶ لحظاتی پس از پرتاب منفجر شد. مک‌نایر از لحاظ نژادی اولین آفریقایی-آمریکایی فضانورد بود که به سرنوشت نافرجامی دچار شد. این بورس تحصیلی با هدف کاهش شکاف‌هایی که ناشی از تبعیضات مختلف نژادی و قومی است، به افرادی که در جامعه، اقلیت نامیده می‌شوند، اعطا می‌شود. در این برنامه بورس تحصیلی به افرادی تعلق می‌گیرد که دارای دو ویژگی زیر باشند:

◆ وضعیت اقتصادی نامناسب به این معنا که درآمد خانواده بیش از ۱۵۰ درصد خط فقر در جامعه آمریکا نباشد.

◆ توسعه ابزارهای پشتیبانی متنوع از اجتماع نخبگانی

یکی از مؤثرترین راه‌های حمایت از نخبگان فراهم کردن ابزارها و

بسترهای فعالیت‌های پژوهشی برای آنهاست. در ذیل مهم‌ترین ابزارها و بسترهای پشتیبانی معرفی می‌شود:

◇ دسترسی به زیرساخت‌های فعالیت‌های نخبگانی مانند آزمایشگاه‌های ملی و کارگاه‌ها؛

◇ دسترسی به اطلاعات مانند دسترسی به پایگاه‌های داده و بانک‌های آماری، اطلاعاتی و دانشی جهانی و ملی؛

◇ مشارکت در مجامع علمی و فناورانه بین‌المللی مانند حمایت از ارائه مقاله در کنفرانس‌های علمی معتبر در جهان؛

◇ پژوهانه و ارایه آن از طریق اساتید مرتبط؛

◇ بورس‌های تحصیلی غیردائم (سالانه یا ترمی).

با این وجود ضرورت دارد پشتیبانی‌ها از نخبگان دارای ویژگی‌های زیر باشد:

◇ **مشروط بودن به فعالیت نخبگانی:** برخورداری از توانمندی بالقوه ضرورت‌بخش پشتیبانی نیست، بلکه بالفعل شدن توانمندی، پشتیبانی را الزام‌آور می‌سازد.

◇ **محدود بودن زمان برخورداری:** احراز توانمندی‌ها و استعدادها همیشگی نیست و لازم است تضمین‌کننده‌ی استفاده از پشتیبانی‌ها برای زمان محدودی باشد.

◇ **تمدیدپذیر بودن:** وجود سازوکارهایی که اجتماع نخبگانی بتواند موفقیت خود را تکرار کند.

◇ **انگیزه‌آفرین بودن و ایفای نقش تشویقی:** پشتیبانی‌ها باید مشوق و انگیزاننده فرد برای انجام یک فعالیت نخبگانی در سطح بالاتر باشد.

◇ **متناسب بودن پشتیبانی با استعدادها و توانمندی‌ها:** پشتیبانی‌های غیرمتناسب، مانند حمایت‌های مالی غیرهدفمند، در جهت توسعه توانمندی و شکوفایی استعدادها نیست؛ و چه بسا تغییردهنده مسیر فعالیت فرد یا گروه باشد. به همین

دلیل لازم است این پشتیبانی‌ها به سمت برخورداری از زیرساخت‌ها و تسهیل فعالیت‌های نخبگانی تغییر جهت یابد.

◇ کاهش دهنده انگیزه استفاده افراد سودجو: بهتر است پشتیبانی‌ها صرفاً برای گروه مخاطب انگیزه‌بخش باشد. به عنوان نمونه امکان استفاده از آزمایشگاه‌های ملی تنها برای یک استعداد برتر یا نخبه تحریک‌کننده است، حال آن‌که ارائه پول ماهیانه برای کل جامعه تحریک‌کننده است و به همین دلیل افراد عمده‌ای مایل به احراز خود هستند.

◇ قابلیت استفاده از بخش غیردولتی: بخش غیردولتی در اکثر کشورهای جهان یکی از منابع اصلی ارائه‌دهنده پشتیبانی از اجتماع نخبگانی از طرق مختلف هستند. توان این بخش نه تنها موجب افزایش مجموع پشتیبانی‌ها از نظام نخبگانی می‌شود، بلکه به دلیل حساسیت بخش غیردولتی در نحوه هزینه‌کرد منابع خود، جهت‌دهنده به فعالیت‌های نخبگانی نیز خواهد بود.

◆ پشتیبانی در عرصه‌های آموزشی و غیر آموزشی

دانشگاه به عنوان نهاد توسعه توانمندی‌ها لازم است تا پشتیبانی لازم برای استعدادهای درخشان در عرصه‌های مختلف را متناسب با آن استعداد فراهم آورد. پشتیبانی در عرصه‌های آموزشی از روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- ◇ شتاب‌بخشی^۱: اجازه‌ی گذارندن دروس با سرعت بیشتر که می‌تواند شامل طراحی اقداماتی از جمله: امکان گرفتن واحدهای بیشتر یا امکان شرکت در امتحانات بدون گرفتن دروس خاصی شود.
- ◇ پربارسازی^۲ آموزشی: شرکت در دوره‌های ویژه که بر

1. Acceleration
2. Enrichment

اساس توانمندی‌های شناسایی شده به دانشجوی امکان ثبت نام در کلاس‌های خاصی را می‌دهد. به عنوان نمونه دانشجوی می‌تواند یک واحد درسی را با محتوای استاندارد، اخذ نماید، اما این واحد درسی با کیفیت بالاتری (مانند مطالب پیشرفته‌تر یا آموزش نرم‌افزار خاصی که در دوره‌های عادی جزو سرفصل آموزشی نیست) ارائه می‌شود.

◇ **تنوع‌سازی:** اجازه‌ی تحصیل هم‌زمان در یک رشته دیگر یا ترکیبی از رشته‌های مختلف را می‌دهد. در این وضعیت دانشجوی مدارک تحصیلی مرتبط را دریافت می‌کند.

پشتیبانی در عرصه‌های غیرآموزشی از روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

◇ **دسترسی به امکانات و زیرساخت‌های خاص:** به عنوان نمونه دانشجوی برگزیده پژوهشی می‌تواند اجازه دسترسی خاص به امکانات آزمایشگاهی یا کارگاهی مورد نیاز خود را داشته باشد.

◇ **معرفی و برخورداری از امکانات تحصیل در رشته‌هایی در دانشگاه‌ها یا مراکز تخصصی آموزشی:** به عنوان نمونه دانشجوی برگزیده اجتماعی که نویسنده برتر نشریات دانشجویی شده است، با معرفی دانشگاه می‌تواند در دانشگاه دیگری در برخی از دروس مرتبط با حوزه فعالیت خود مانند حوزه علوم ارتباطات، پژوهش‌های اجتماعی و... شرکت کرده و مدرک تحصیلی مرتبط را نیز دریافت نماید.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان < راهبرد کلان ۵ >

راهبرد ملی ۲ < اقدام ملی ۱:

تسهیل دسترسی آحاد اجتماع نخبگانی به زیرساخت‌های مطالعاتی و پژوهشی کشور از جمله سامانه‌های اطلاع‌رسانی، کتابخانه‌های تخصصی، آزمایشگاه‌ها و شبکه‌های آزمایشگاهی با محوریت بنیاد ملی نخبگان

◆ توسعه توانمندی‌های گروه‌های نخبگانی

یکی از نوآوری‌های سند در بحث نخبگان توجه به گروه‌های صاحب استعداد برتر و نخبه علاوه بر خود افراد نخبه می‌باشد. در دوران دانش‌آموزی هم این مسأله وجود دارد ولی کمتر است چون استقلال برای تشکیل گروه در دانش‌آموزان کمتر است. در دبیرستان گروه شکل می‌گیرد اما مشغله‌های درسی و توجه به کنکور این فرصت را از آن‌ها می‌گیرد، علاوه بر آن، گروه دانش‌آموزی اگر هم تشکیل شود اثرگذاری کافی ندارد. اوج شکلگیری گروه‌ها در دانشگاه اتفاق می‌افتد. کسانی که فکر میکنند توانمندی خاصی دارند و میتوانند کنار هم کار ویژه‌های انجام دهند گرد هم جمع میشوند و گروه‌هایی را تشکیل میدهند که بعضاً گروه‌های استعداد برتر و نخبه هستند. نظام نخبگانی کشور باید این گروه‌ها را شناسایی کرده، به آن‌ها توجه کند، آن‌ها را هدایت کرده و رشد دهد و بسترسازی لازم برای تأثیرگذاری آن‌ها را فراهم نماید، خصوصاً از فروپاشی آن‌ها جلوگیری کند چون بسیاری از گروه‌ها به دلیل فقدان بسترهای رشد و توسعه و عدم رسیدن به بلوغ از هم می‌پاشند و به سرانجام درستی که می‌باید، نمی‌رسند. این مورد هم مثل افراد و شاید حساستر است؛ اگر یک استعداد به موقع شناسایی، حمایت و هدایت نشود یا هدر می‌رود یا در جهتی غیر از آن‌ها باید تأثیر بگذارد تأثیر می‌گذارد، در گروه‌ها هم همین طور است؛ گروه هم تأثیر و هم قدرت بیش از فرد دارد، اگر گروه‌ها به موقع شناسایی نشده، به موقع هدایت و حمایت نشوند، آن چیزهایی که برای توانمندی نیاز دارند در اختیارشان قرار نگیرد و آموزش‌های لازم را نبینند، استعدادهای آن‌ها هدر می‌رود یا تأثیرگذاری آن‌ها در جهتی خواهد بود که مطلوب کشور و نظام نیست. لذا اقدامات زیر باید صورت پذیرد:

۱. برای گروه‌های نخبگانی باید شاخص‌ها و ویژگی‌هایی تعریف

شده، و سیستم‌های رصد و شناسایی آن‌ها ایجاد گردد.

۲. همچنین ساز و کارهای لازم برای حمایت از آن‌ها به

عنوان گروه‌های نخبگانی کمتر ایجاد شده که باید توجه ویژه‌ای در وزارت علوم و دانشگاه‌ها به این قضیه صورت گیرد و ساز و کارهای ثبت گروه‌های مختلف دانشجویی و جدا کردن گروه‌هایی که توانمندی ویژه دارند (گروه‌های استعداد برتر و گروه‌های نخبگانی) و ساز و کارهایی برای استفاده‌ی آن‌ها از امکانات دانشگاه، آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و سایر امکانات مادی و معنوی دانشگاه فراهم شود.

۳. اختصاص اساتید به برخی از این گروه‌ها می‌تواند یک راهکار بسیار مناسب باشد، یعنی دانشگاه برای گروه‌های خاصی، هزینه‌ی مشاوره‌ی استاد را تقبل کرده و آموزش‌های لازم را به آن‌ها بدهد و ارتباط آن‌ها را با محیط خارج دانشگاه برقرار کند یعنی آن‌ها را به جایی که می‌توانند اثرگذار باشند متصل کند که این کار علاوه بر اثرگذاری یک نوع توانمندسازی است. گروهی که فرصت پیدا می‌کند نتیجه تحقیقاتش را در محیط واقعی بسنجد، علاوه بر اثرگذاری، توانمند شده و آزموده می‌شود.

۴. گروه‌های دانشجویی معمولاً با کارهای کوچک شروع می‌کنند که این امر به توسعه‌ی آن‌ها کمک می‌کند. فراهم کردن یک سری تسهیلات برای کار کردن این گروه‌ها، کاهش تعهدات آن‌ها نسبت به سایر مجموعه‌هایی که در محیط خارج از دانشگاه هستند، امکان استفاده از تحقیقات مختلف، عدم نیاز به مکان برای ثبت شدن (مکان لازم را دانشگاه فراهم کند)، معافیت از کسورات قانونی، بیمه و مالیات و یک سری امکاناتی که از جنس پول دادن و کمک مادی نباشند بلکه از جنس کاهش هزینه‌ی فعالیت هستند به آن‌ها ارائه شود تا بتوانند شکل بگیرند و به حدی برسند که بتوانند به صورت مستقل بقا داشته باشند. در حقیقت دانشگاه باید یک محیط

گلخانهای فراهم کند که این گروهها بتوانند رشد کرده و قوت بگیرند تا مستقلاً بتوانند در سطح جامعه فعالیت کنند.

۵. همان‌گونه که باید برای تمام افراد به‌صورت عادلانه فرصت برابر برای رشد ایجاد شود، برای گروههای نخبگانی در دانشگاههای مختلف کشور نیز همین‌طور است.

۶. همچنین همان‌گونه برای شناسایی استعدادهای متنوع، بسترهای مسابقه و همانندیشی و همکاری افراد باید فراهم شود، بین گروههای نخبگانی هم مسابقات، جشنوارهها و بسترهای تعامل باید شکل بگیرد. شناسایی تنوع استعدادها در گروهها راحتتر و بهتر صورت می‌گیرد؛ یعنی ممکن است دانشجویانی با رشتههای مختلف و استعدادهای گوناگون کنار هم جمع شوند و گروهی که یک ویژگی در یک حوزه‌ی خاص بین رشته‌های دارد ایجاد کنند. در گروهها تنوع بیشتر است.

۷. نباید برچسب نخبگانی که به گروه زده میشود دائمی باشد، گروهی که در مسابقات ریاتیک یا جشنواره‌ی خوارزمی مقامی کسب میکند نباید تا مدت طولانی گروه ویژه قلمداد شود. برچسب‌زنی باید مقطعی باشد و معیارها به‌صورت پویا ارزیابی شده و کمکها و حمایتها به‌صورت مقطعی لحاظ شود.

۸. باید برای گروهها هم اعتبارات و امتیازات متعدد تعریف شود تا بتوانند در حوزه‌های مختلف فعالیت کنند. نکته‌های هم که وجود دارد این است که باید بین امتیازات گروهی و فردی ارتباط برقرار شود یعنی کسانی که در گروه‌هایی فعالیت میکنند بتوانند از فعالیتهای گروهی برای ارتقای شخصی در مسیرهای مختلف رشدی که در جامعه‌ی نخبگانی تعریف میشود استفاده کنند؛ چه در محیطهای دانشگاهی و چه کاری و غیردانشگاهی.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان <راهبرد کلان ۲>

راهبرد ملی ۱ <اقدام ملی ۳:

ساماندهی و توسعه‌ی هسته‌های فعال دانشجویی، رصد دائمی و پشتیبانی هدفمند و مرحله‌ای از آن‌ها با هدف تبدیل این هسته‌ها به گروه‌های نخبه

♦ توجه به عدم کارایی پشتیبانی‌های دائم از نخبگان

نکته‌ی بسیار مهم دیگر این است که شناخته شدن یک نفر در دانشگاه به عنوان استعداد برتر در یک حوزه‌ی خاص نباید به صورت دائمی باشد؛ ارزیابی‌ها باید به صورت پویا و دائمی انجام گیرد و همان طور که گفته شد صرفاً بر مبنای امتیازات درسی یا در حوزه‌ی تخصصی نباشد، بر مبنای بروزات نخبگانی مختلف و برای یک مدت محدود از امکانات، بورسها، کمک هزینه‌ها و حمایت‌هایی که حاصل تلاش فرد است استفاده کند و تداوم این حمایتها منوط به بروزات جدید و رشد و ارتقای فرد باشد نه صرف اینکه کسی که نفر برتر کنکور یا دانش‌آموزان المپیادی شد، استعداد برتر شناخته شود. لذا نباید به واسطه‌ی اینکه یک نفر در یک مقطع خاص درخششی داشته است تا مدت طولانی مورد حمایت قرار بگیرد. پشتیبانی‌های دائم از نخبگان مانند بورس‌های تحصیلی دائم، علاوه بر ناکارآمد بودن، حتی می‌تواند به دلائلی مضر نیز می‌باشد. مهم‌ترین این دلائل عبارتند از:

♦ کاهش انگیزه برای فعالیت

♦ غیررقابتی بودن

♦ ایجاد انحصار

♦ افزایش فرهنگ طلبکاری از جامعه و متوقع شدن

اجتماع نخبگانی

◆ فراهم کردن بستر فعالیت و کاهش هزینه فعالیت‌ها به جای حمایت‌های مستقیم مالی

نکته‌ی مهم بعدی این است که جنس حمایتها و توجهات به دانشجویان بیش از اینکه از جنس اختصاص پول و امکانات باشد باید فراهم کردن بستر فعالیت و کم کردن هزینه‌های فعالیت برای آنها باشد، باید بتوان امکانات و منابع را تبدیل به بسترهای فعالیت کرد، به جای آن که پول به شخص داده شود بستر انجام کاری که میخواهد انجام دهد فراهم شود؛ در اختیار گذاشتن آزمایشگاه، تجهیزات، مکان انجام کار، مشاوره، کمک به ایجاد گروه، فراهم کردن ارتباطات لازم با جامعه‌ی بیرون از دانشگاه و... بهتر از اختصاص کمک مادی است، چه بسا ممکن است با توجه به اینکه اولویتهای ذهنی افراد متفاوت است آن را در جای دیگری غیر از بخشی که استعداد دارد و فعالیتی که برای آن در نظر گرفته شده هزینه کند.

◆ تأمین نیازهای اساسی نخبگان

نکته‌ی دیگر این است که کسانی که وارد فعالیتهای آموزشی و پژوهشی در دانشگاهها میشوند باید بستر آرامی برای زندگی آنها فراهم شود و یک آرامش ذهنی باید داشته باشند. می‌توان این دغدغهها را با تأمین نیازهای اساسی زندگی مثل مسکن، تأمین کالاهای اساسی و فضای مناسب کار، حمل و نقل رایگان و... از بین برد.

باید استعدادها را به کار بیندازند، و دولت و ملت تأیید کنند از این کسانی که اختراع و ابداع می‌کنند تا انشاءالله - ایران خودش همه چیز را بسازد و مستقل بشود. به هر صورت می‌گویم - انشاءالله - که به دولت تذکر بدهند که همراهی کنند و ملت هم البته موظف است که با شما همراهی کند تا - انشاءالله - کارها را راه بیندازند. و ایران - انشاءالله - مستقل بشود.

حضرت امام خمینی (ره)
صحیفه نور، جلد ۱۳، صفحه ۹۶ - دیدار سه تن از مخترعین

♦ تدوین استانداردهای لازم در زمینه اختصاص امکانات و

فضاهای آموزشی به استعدادهای برتر

بحث بعدی بحث استانداردهای آموزشی است. فضاهای آموزش استعدادهای برتر یا فضاهای نخبگانی باید از یک سری استانداردها برخوردار باشند. دانشگاههای برتر مهم‌ترین مراکز و محیطهای تجمع استعدادهای برتر و نخبگان کشور در کنار هم هستند، بنابراین برای رشد و ارتقاء و زمینه‌سازی برای فعالیت باید استانداردهای آموزشی، پژوهشی و رشد نخبگان را داشته باشند. چه از نظر محیط فیزیکی، چه از نظر منابع انسانی، منابع مالی، امکانات و تجهیزات باید استانداردهایی برای این مراکز وجود داشته باشد. استانداردهایی که حداقل امکانات لازم برای تأمین فرصت رشد استعداد را مشخص میکند؛ حداقل تعداد اساتید، حداقل امکانات رفاهی، حداقل امکانات آموزشی، حداقل امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی و جذب بیش از حد استعدادهای برتر در محیطی که ظرفیت آن را ندارد منجر به از بین رفتن این استعدادها میشود. مثل کاشت بیش از حد درخت در زمینی که هرچند هم مستعد باشد اما به خاطر آن که این درختان منابع همدیگر را مصرف میکنند هیچ کدام نمیتوانند به رشدی که باید برسند. اما اگر به اندازه و به جا کاشت شود

همهی آنها میتوانند رشد خوبی داشته باشند. بنابراین برخلاف آنچه تصور شده و اقدام میشود خصوصاً در حوزههای دکتری که ظرفیتهای بدون در نظر گرفتن امکانات افزایش پیدا کرده است، این افزایش باید بر اساس استاندارد و اندازه باشد. اگر از این اندازه و استاندارد بیشتر باشد تنها کسی که اضافه شده ضرر میبیند، همهی کسانی که هستند نیز ضرر میبینند. این استانداردها باید توسط بنیاد نخبگان و وزارت علوم تعیین شده و مبنای عمل دانشگاهها و مراکز آموزشی و پژوهشی برای آموزش و رشد استعدادهای برتر دانشجویی قرار بگیرد.

♦ توانمندسازی در زمینه مهارت‌های عمومی

در توانمندسازی دانشجویان استعداد برتر لازم است که غیر از مباحث تخصصی، درسی و آموزشی و استعدادهای خاصی که دارند، یک سری مهارتهای عمومی و غیرتخصصی نیز آموزش داده شود تا این افراد بتوانند از این توانمندیها و استعدادهای استفاده کنند. کسانی که توانمندی کمتری دارند ولی میدانند از این توانمندی چگونه در جامعه و محیط استفاده کنند از کسانی که توانمندی ویژه‌ای دارند اما مهارت استفاده از آن را ندارند موفق‌ترند. البته یک سری از این مهارتها به ویژگیهای شخصیتی که در افراد شکل میگیرد، بستگی دارد، که بیشتر مربوط به آموزش و پرورش است؛ مثل قابلیت صبر و تحمل، پشتکار، روش برخورد با دیگران، قابلیت حل مسئله، تفکر خلاقانه و ... از جمله مهارتهایی که بیشتر در دانشگاهها لازم است به دانشجویان استعداد برتر منتقل شود میتوان به مهارتهای اجتماعی در تعامل با دیگران، مهارت نوشتن و ارائه طرح و ایده‌های که دارند، مهارت تشکیل تیم و مدیریت و سازماندهی آن، مهارت تعامل با افراد مختلف که در قالب کار و کارگاه با آنان برخورد دارند، اشاره کرد. بسترهایی نیز باید برای فعالیت فراهم شود چون این مباحث، بحثهای تئوری نیستند که بتوان انتقال داد.

◆ پشتیبانی مادی و معنوی در جهت کاهش هزینه شکست فعالیت‌های دانشجویی

فعالیت دانشجویان یا گروه‌های دانشجویی یک فعالیت پرریسک است که ممکن است به شکست بینجامد. دانشگاه و سیستم آموزش عالی باید هزینه‌ی شکست را کاهش دهد. یکی از نکات جالبی که در ایالات متحده در همین زمینه وجود دارد این است که بسیاری از کسب‌وکارهای جدیدی که در آمریکا ایجاد می‌شود شکست می‌خورند اما این شکست چیز بدی محسوب نمی‌شود که فرد وقتی شکست خورد نتواند دوباره شروع کند. این مسأله هم از نظر روحی و روانی هم از نظر مادی مهم است. کسی که نمی‌تواند در انجام یک فعالیت ریسک کند و اگر در فعالیتی شکست خورد زندگیش از نظر مادی و معنوی به خطر می‌افتد طبیعتاً به آن اقدام نمی‌کند. لذا اقدامات زیر در این زمینه می‌تواند موثر باشد:

۱. باید به صورت هدفمند و هدایت‌شده ریسک انجام این فعالیتها، تشکیل گروهها و شروع کسب‌وکار در محیطهای دانشجویی کاهش پیدا کند.

۲. باید بحثهای گفتمانسازی و مشاوره برای آن‌که شکست لزوماً بد نبوده و پذیرفتنی است ارائه شود و حتی فرد میتواند به شکستهایی که خورده افتخار کند. کارهایی را شروع کرده و به نتیجه نرسیده ولی یک سری چیزها یاد گرفته است. بیشتر مهارت، تجربه و خبرگی افراد تیزهوش و مستعد با شکست خوردن و فرآیند آزمون و خطا اتفاق می‌افتد.

۳. از نظر مادی باید صندوقهای خطرپذیر در دانشگاهها ایجاد شود، منتهی نباید از کارهای بزرگ شروع گردد، باید به صورت تدریجی بستر فعالیتهای کوچک فراهم شود، اگر موفق بود توسعه پیدا کند تا این مجموعهها مستقل شوند. ریسک بزرگ، هم به دانشجو ضربه می‌زند هم توانایی حمایت

از آن برای نظام شدنی نیست اما میشود منابع موجود را بین فعالیتهای مختلف تقسیم کرده ریسک مجموعههای مختلف را در حد محدود پوشش داد. نکته اینجاست که غالباً در دنیا بیش از هفتاد درصد فعالیتهای خطرپذیر ممکن است به شکست منجر شود اما نتیجهی تعداد کمی از آنها که به موفقیت میرسد آنقدر مطلوب بوده و بازده دارد که پوشش این هفتاد درصد عدم موفقیت را داده و آن را جبران میکند. خیلی از کسب و کارهای سودآور بر این اساس هستند. نخبگان و استعدادهای برتر هم چنین افرادی هستند؛ یعنی کارهای افگشا، جدید، نوآورانه و خلاقانه انجام میدهند که ممکن است شکست بخورد، اما اگر موفق شود موفقیت آن مثل سایر کسب و کارها و فعالیتها (فعالیتی که حد محدودی از بازدهی را داشته باشد) نیست، معمولاً بازدهی چند برابری دارند و قابل ملاحظه و قابل توجه هستند. بنابراین صندوقهای خطرپذیر اگر خوب طراحی شوند حتی میتوانند برای دانشگاهها در بلندمدت درآمدزایی هم داشته باشند. منتهی طبیعتاً در ابتدای امر هزینههایی دارد؛ ساز و کارهایی باید آغاز شود و طبیعی است که یک مجموعه در سالهای اول فقط هزینه دارد باید منتظر بود تا به جواب رسید.

۴. نکتهی بسیار مهم این است که می توان از بخش خصوصی به صورت توزیع شده در پوشش ریسک این گروههای دانشگاهی (یا دانشجویی یا مجموعههای از استادان و دانشجویان به صورت ترکیبی) استفاده کرد. برای مجموعهها علاوه بر آن که مسائلمان حل میشود فعالیت با دانشگاهها میتواند جذابیت داشته باشد. حمایت از طرحهای دانشجویی میتواند به عنوان اعتبار و افتخار در نظر گرفته شود که اگر توسط بنیاد نخبگان و وزارت های مرتبط با دانشگاهها (علوم

و بهداشت) درست طراحی شود میتواند از پتانسیلها و ظرفیتهای بخش خصوصی در این زمینه استفاده بهینه کرد. نکته اینجاست که نباید شکست از نظر مادی و معنوی، یک دانشجوی مستعد را از چرخهی خدمت و تولید محتوا و چرخهی فعالیت نخبگانی خارج کند. باید بستری فراهم شود که این شکستها پلهای برای رشد و موفقیت باشد. غالباً افراد مستعد وقتی کار خود را شروع میکنند، اگر شکست خوردند، در حوزهی توانمندی خودشان ادامه نمیدهند و تن به کارهای سطح پایین داده و از چرخه و جامعهی نخبگانی خارج و خدمات خود را در سطح معمول ادامه میدهند (کارمند میشوند یا در یک حوزهی دیگر فعالیت میکنند).

سند راهبردی کشور در امور نخبگان <راهبرد کلان ۲>

راهبرد ملی <۱ اقدام ملی ۳>

ساماندهی و گسترش پشتیبانیهای مستقیم و غیرمستقیم مادی به اجتماع نخبگانی در قالب بورس، جایزههای مقطعی و پژوهانه از سوی سازمانهای دولتی، بخش خصوصی و نهادهای عمومی (وقف و خیریه) منطبق با پایش پیشرفت مرحلهای و اثرگذاری آنان

◆ مدیریت و تأمین دسترسی به اطلاعات و دانش برای نخبگان

نکته بعدی که برای زمینسازي فعالیت استعدادهای برتر و رشد، هدایت و توانمندسازی آنها مهم است، دسترسی به اطلاعات و دانش است. البته دسترسی به شبکههای علمی فراهم است اما از آنها درست استفاده نمیشود. وزارت علوم و دانشگاهها میتوانند با تحلیل دادههای جستجوی افراد، مطالعات افراد و دسترسیهایی که افراد داشتهاند به الگوهای رفتاری آنان رسیده و الگوهای رفتاری ویژه را پیدا کنند. این روش میتواند یک راه بسیار مناسب باشد برای کشف فعالیتهای

نخبگانی و کشف استعدادهای برتر و کسانی که توانمندیهای ویژه‌ای دارند و روی موضوعات خاص کار میکنند یا کارهای ویژه انجام میدهند. ضمن اینکه اگر بتوان یک درگاه برای این افراد ایجاد کرد که از طریق آن به اطلاعات و منابع علمی و دانشی موجود در دنیا دسترسی پیدا کنند و رفتارهای علمی و دانشی آنها رصد شود علاوه بر شناسایی آنان، دانش و اطلاعاتی که در اختیار آنها گذاشته میشود، به توانمندسازی و آموزش آنان نیز منجر میشود. میتوان بر اساس اولویتهای کشور و نیازهای جامعه، مسیر حرکت علمی و تحقیقاتی و پژوهشی این افراد را به صورت نامحسوس جهت داد که باید خیلی دقیق مد نظر نظام نخبگانی و دستگاههای مسئول مثل وزارتخانههای علوم و بهداشت و دانشگاهها قرار گیرد.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان < راهبرد کلان ۵ >

راهبرد ملی ۲ > اقدام ملی ۳:

توسعه زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی مناسب در اجتماعات و فعالیتهای نخبگانی به منظور شبکه‌سازی هدفمند در این فعالیتهای با محوریت بنیاد ملی نخبگان

◆ ایجاد فضای همکاری بین دانشگاه‌ها و دسترسی به منابع علمی تولیدی (مقالات و پایان‌نامه‌ها)

نکته‌ی بعدی در این مورد بحث منابع و پایان‌نامه‌های داخلی است که متأسفانه دسترسی به آنها ساده نیست، برخلاف سایر کشورها که اغلب دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی معتبر، پایان‌نامه‌ها و تحقیقات را به صورت آزاد در اختیار دانشجویان و حتی سایر کشورها قرار میدهند. در حال حاضر دسترسی به مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاههای معتبر دنیا بسیار آسانتر از مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در داخل کشور انجام میشود و این مسأله غیر از اینکه در سیستم آموزش عالی اختلالاتی ایجاد میکند، راه را برای تقلب و کپی باز مینماید، در نظام نخبگانی

نیز مانع شبکه شدن میشود.

یکی از روشهای شبکه شدن این است که همکاریهای علمی اتفاق بیفتد، کارهای انجام شده دیده شود تا بتوان آن کار را یک پله جلوتر برد و کار قبلی مجدداً تکرار نشود. محصولات علمی و پژوهشی سریعتر رشد کرده و هزینهی انجام پژوهشها کاهش پیدا میکند، ضمن آنکه معمولاً فعالیتهای نخبگانی و تراز اول زمان انقضایی دارند که اگر در این دوره در اختیار دیگران قرار نگیرند، بعد از آن چندان مفید نخواهند بود. پایاننامه‌های که در حوزه‌های جدید نوشته میشود، با سرعت تغییر و تحولاتی که در فضای علمی وجود دارد بعد از چند سال جدید محسوب نمیشود، لذا باید دسترسی قشر دانشگاهی و یا حداقل استعدادهای برتر دانشجویی و پژوهشگران برتر به این منابع فراهم شود تا راحتتر بتوانند به متن کامل تحقیقات، پایاننامه‌ها و محصولات دسترسی پیدا کنند و در چرخهی رشد آن محصولات بیفتند و آنها را توسعه دهند. گاهی اوقات علاوه بر اینکه از این محصولات هیچ استفاده‌ای در سیستمهای کشور برای حل مسائل نمیشود، در تولید مجدد محصولات دیگر نیز مورد استفاده قرار نمیگیرد. لذا راه‌کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. به نظر میرسد بتوان یک بستر یکپارچه برای دسترسی به اطلاعات و مستندات علمی و پژوهشی (داخلی و خارجی) برای جامعهی نخبگانی دانشگاهی ایجاد کرد، این کار علاوه بر اینکه مبنای رشد و توانمندسازی آنها خواهد بود مبنای رصد، شناسایی و هدایت نیز میتواند باشد و چه بسا یکی از بسترهای بسیار مناسب برای شبکه‌سازی بین استعدادهای برتر و نخبگان (شرط ایجاد یک جامعهی خوب نخبگانی شبکه‌شدن است) باشد.

۲. یکی از کارهای بسیار خوبی که میتوان انجام داد ایجاد سیستم نظارت و دآوری شبکه‌های برای محصولات علمی

است. یکی از خلأهای سیستم‌های نخبگانی و شناسایی نخبه‌ها این است که در حال حاضر احراز نخبگی، اینکه یک محصول، محصول نخبگانی است یا خیر، مقالهای که نوشته شده مقالهی خوبی است یا خیر، اختراعی که انجام شده نوآوری دارد یا خیر یا محصول و فعالیت نخبگانی کیفیت دارد یا خیر در کمیته‌ها و کمیسیونهایی که صحت آن‌ها هم قابل تشکیک است، بررسی میشود. در سیستمهای شبکه‌های بدون آن که مشخص شود که اثر متعلق به کیست به صورت تصادفی برای داوران فرستاده میشود و داوران نظر میدهند و به اصطلاح ارزیابی و "داوری کور" انجام میشود و کیفیت ارزیابی و شناسایی نخبگان و فعالیتها و محصولات نخبگانی را بسیار بالا میبرد. شبکه‌ی علمی، دانشی و اطلاعاتی میتواند بستر بسیار خوبی برای ایجاد شبکه‌های داوری نخبگانی باشد که کاربردهای بسیار زیادی غیر از سیستمهای علمی و پژوهشی دارد، حتی نخبگان میتوانند ذیل این شبکه‌ها ارزیابها و داوران فعالیتها (حتی فعالیتهای حاکمیت) قرار بگیرند.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان <راهبرد کلان ۵>

راهبرد ملی ۲ <اقدام ملی ۱

تسهیل دسترسی آحاد اجتماع نخبگانی به زیرساخت‌های مطالعاتی و پژوهشی کشور از جمله سامانه‌های اطلاع‌رسانی، کتابخانه‌های تخصصی، آزمایشگاه‌ها و شبکه‌های آزمایشگاهی با محوریت بنیاد ملی نخبگان

فصل سوم - زمینه سازی برای اثرگذاری استعدادها

۳-۱. مقدمه

زمینه‌سازی برای اثرگذاری افراد و گروه‌های نخبه در جامعه، سومین راهبرد کلان سند راهبردی کشور در امور نخبگان است. در این میان اگر چه شاید وظیفه اصلی دانشگاه‌ها صرفاً پرورش استعدادها و تحویل افراد آماده کار به جامعه باشد، اما در واقع دانشگاه‌ها نقش حلقه‌ی واسط را بین پرورش استعدادها و اثرگذاری آن‌ها در جامعه بازی می‌کند. در دانشگاه‌ها، به استعداد برتر توانمندی‌هایی داده میشود تا بعدها در خدمت کشور باشند. او از این جهت ارزشمند است و حمایت میشود چون میتواند مشکلی از مشکلات جامعه را حل کرده یا کار ویژه‌ای را انجام دهد یا تحولی ایجاد کند. در زمان دانش‌آموزی غالباً شناسایی، حمایت، رشد و توجه صورت میگیرد، در زمان دانشجویی یک حلقه‌ی واسط ایجاد میشود؛ هم یک سری چیزها به دانشجو داده میشود، و هم آماده میشود برای آن‌که نقش‌آفرینی کند و وظیفه‌ای که در نظر گرفته شده را انجام دهد. دانشگاه باید بتواند نقش این حلقه‌ی واسط را به خوبی ایفاء کند. یعنی هم بتواند استعداد برتر را رشد داده، هدایت کرده و توانمند کند و هم این فرد را که مسیر خبرگی را طی کرده و میخواهد به عنوان نخبه در جامعه معرفی شود، آماده کند تا

بتواند نقش خود را درست ایفاء کرده و خروجی خوب و اثرگذاری داشته باشد. بسترسازی برای تأثیرگذاری که یکی از مراحل زنجیره‌ی نخبگانی در سند ملی نخبگان است از دانشگاه شروع میشود. دانشگاه باید این فضا و بستر را فراهم کرده و استعدادهای برتر دانشجویی را برای نقش‌آفرینی و اثرگذاری آماده کند؛ از جمله کارهایی که باید انجام شود میتوان به ارتقای مهارتها، تبیین جایگاهها و ایجاد بسترهای فعالیت اشاره کرد. حتی دانشگاه میتواند نقطه‌ی شروعی برای ایجاد فعالیتهای جدی و کسب‌وکارهای مختلف و شروع یک سری فعالیتهایی که در آینده توسعه پیدا خواهند کرد، باشد. در بسیاری از کشورها، تعداد قابل توجهی از مجموعه‌های بزرگ و اثرگذار از بطن دانشگاه بیرون آمده‌اند مثل مراکز رشد، پژوهشگاههای دانشجویی، تشکلهای و سایر بخشهایی که البته در ایران نیز به شکل محدود وجود دارند. در مجموع با توجه با اینکه ورود نخبگان به جامعه تا حدود بسیار زیادی از طریق دانشگاه‌ها صورت می‌پذیرد، لذا دانشگاه‌ها می‌توانند با اجرای برخی اقدامات و نیز بسترسازی‌ها، زمینه بسیار مساعدی برای نقش‌آفرینی هر چه بهتر افراد مستعد و نخبه در جامعه فراهم نمایند. در این فصل برخی از این دست اقدامات و بسترسازی‌های بیان می‌گردد.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان < راهبرد کلان ۳:
زمینه سازی برای اثرگذاری افراد و گروه‌های نخبه در
جامعه

۳-۲. راه کارها و رویکردهای صحیح در به کارگیری و استفاده از استعدادها و نخبگان

برخی از مهم‌ترین نکات و راه‌کارهایی که با اجرای آن توسط دانشگاه‌ها، می‌توان تا حدود خوبی به مهم‌ترین مرحله زنجیره نخبگانی یعنی به‌کارگیری و اثرگذاری نخبگان رسید، در ذیل ارائه و در ادامه تشریح شده است.

- ◆ احیاء دوره‌های کارآموزی در جهت آشنا کردن استعداددهای برتر با فضای واقعی جامعه
- ◆ دغدغه‌سازی و مسأله‌سازی برای استعداددهای برتر
- ◆ بهره‌گیری از هسته‌های جوان خودجوش
- ◆ دانشگاه، حلقه واسط بین پرورش استعداددهای برتر و اثرگذاری در جامعه
- ◆ فراهم کردن زمینه کسب و کار برای استعداددهای برتر دانشجویی
- ◆ آگاه‌سازی دانشجویان از مسائل حقوقی و اطلاعات ضروری حضور در بازار
- ◆ بسترسازی برای شکل‌گیری موسسات مطالعاتی - پژوهشی از ارتباطات بین نخبگان و سیستم‌های واقعی جامعه

◆ احیاء دوره‌های کارآموزی در جهت آشنا کردن استعداددهای برتر با فضای واقعی جامعه

نکته‌های که در فضای آشنا کردن استعداددهای برتر با فضای واقعی جامعه و توانمندسازی و آموزش مهارت‌های اجتماعی به آن‌ها وجود دارد بحث دوره‌ی کارآموزی است. در حال حاضر استفاده مناسبی از دوره کارآموزی نشده و کمتر جدی گرفته میشود اما این دوره میتواند بستری باشد که به توانمندیهای افراد مستعد اضافه کند و آن‌ها را هدایت کند. یک سیاستگذاری درست باید روی تمام دانشجویان صورت گیرد اما به‌خاطر محدودیت منابع در حال حاضر میتواند فقط روی چند درصد استعداد برتر دانشجویی انجام شده و مؤسسات خاصی برای این دسته از دانشجویان در نظر گرفته شود. مؤسسه‌های که نام و اعتباری دارد و یک دانشجوی را به کارآموزی میگیرد هم برای دانشجو جذابیت دارد که حضور داشته و فعالیت کند، هم اینکه بر فعالیتهای این افراد نظارت

جدیتری شده و به کار گرفته میشوند نه اینکه کارآموز یک فعالیت دفتری یا خدماتی (فعالیت غیر مرتبط) انجام دهد، که متأسفانه امروز بسیار رایج است. این افراد باید برنامه‌ی جدی برای دوره‌ی کارآموزی داشته باشند. طول این دوره میتواند بیشتر باشد، حتی حقوقی هم در نظر گرفته شود تا استعدادهای برتر در دوره‌ی کارآموزی یک فعالیت جدی در یک فضای واقعی انجام داده و خروجی داشته باشند و آن را ارائه کنند. مهارتهایی که شاید نتوان به صورت تئوری به افراد منتقل کرد، مثل آشنایی با فضای واقعی سازمانها و مؤسسات در قالب این دوره میتواند منتقل شود. در برخی موارد اگر مؤسسه، مؤسسه‌ی خوبی بوده و فرد هم فرد مستعد و نخبهای باشد، این کار موجب جذب این افراد در آن مؤسسه و ماندگاری آنها میشود. مؤسسات خوب دانشجویان مستعد را نگه میدارند و چه بسا بورس میکنند. میتوان با این کار بورسهای مؤسسات را نیز هدایت کرد، یعنی آشنایی مؤسسات با افرادی که میخواهند بورس کنند در دوران کارآموزی اتفاق بیفتد و بتوانند این بورس را هدایت کنند.

**سند راهبردی کشور در امور نخبگان <راهبرد کلان ۱>
راهبرد ملی ۲> اقدام ملی ۷:**

گسترش اردوهای جهادی، بازدیدها و دوره‌های آموزشی و احیای دوره‌های کارورزی و کارآموزی اختیاری به منظور ارتقای شناخت اجتماع نخبگانی از نیازها و شرایط واقعی جامعه

معلوم است که یک کشور از نخبگان خودش چه می‌خواهد یک کشور از نخبگان خودش می‌خواهد که به نیازها و مطالبات عمومی و به مصالح کشور بیندیشند، به آنها پاسخ دهند و خودشان را متعهد بدانند.

مقام معظم رهبری

دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان - ۱۳۸۳/۸/۱۰

◆ دغدغه‌سازی و مسأله‌سازی برای استعداد‌های برتر

دغدغه‌سازی و مسأله‌سازی برای دانشجویان استعداد برتر یک نکته‌ی کلیدی است چون این افراد نسبت به یک موضوع خاص به اصطلاح "ویروسی" میشوند؛ یعنی وقتی موضوعی در ذهن آن‌ها ایجاد میشود شروع میکنند به پیگیری کردن آن، این ویروس به هر جهتی باشد آن‌ها را به آن سمت میبرد. این است که مدیریت دغدغه در دانشجویان استعداد برتر در جهت‌دهی و هدایت آن‌ها بسیار کلیدی است. اینکه مسأله‌های که در ذهن او ایجاد میشود رتبه‌ی برتر شدن در المپیاد دانشجویی یا کنکور است یا حل یک مسأله از مسائل جامعه. ایجاد دغدغه، سوال و چالش جذاب است بر خلاف آنچه تصور میشود باید ابهامات را از بین برد، یکی از ویژگی‌های افراد تیزهوش و مستعد تمایل به محیط‌های مبهم است و شاید قطعیت برای آنان چندان جذاب نباشد و دنبال چالش و ریسک باشند. این فضا را می‌توان مدیریت کرده، دغدغه‌هایی ایجاد کرد که خودبخود به هدایت و ایجاد یک سری انگیزه‌ها و دلبستگی‌ها به کشور منجر شود.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان <راهبرد کلان ۳>

راهبرد ملی ۱ <اقدام ملی ۱>

گسترش تعامل سطوح مختلف حاکمیتی با کانون‌های تفکر نخبگانی به منظور مشارکت آن‌ها در امور مسئله‌شناسی دستگاه‌های اجرایی و حضور فعال نخبگان در فرایند آینده‌نگاری، تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی در دستگاه‌ها.

◆ بهره‌گیری از هسته‌های جوان خودجوش

یکی از راه‌های به‌کارگیری گروه‌های نخبه، توجه به هسته‌های جوان خودجوش در دانشگاه‌ها است. این گروه‌ها معمولاً در اواخر

دوره کارشناسی و یا در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری شکل می‌گیرند. دانشگاه‌ها می‌توانند تحت عنوان پروژه‌های دانشجویی (تکالیف درسی و پایان‌نامه)، رفع برخی از مشکلات دانشگاه‌ها را به هسته‌های دانشجویی بسپارد. به عنوان مثال در حال حاضر بسیاری از دانشگاه‌ها که دارای گروه‌های مهندسی نرم‌افزار و آی‌تی می‌باشند، از لحاظ سیستم‌های اطلاعاتی با ضعف‌های جدی مواجه‌اند. مدیریت دانشگاه می‌تواند بعد از شناسایی هسته‌های خودجوش دانشجویی با کمک اساتید، این چنین فعالیت‌هایی را به آن‌ها واگذار نماید.

اما لازم است ابتدا اقدامات زیر از سوی مراجع ذی‌صلاح صورت پذیرد:

◇ طراحی روش و مکانیزم مناسب برای ارجاع کارها و مسائل تعریف شده به تیم‌های منتخب؛

◇ انتخاب برخی افراد معتبر علمی، مدیریتی و اجتماعی و برخی سازمان‌ها و مجموعه‌های موجود برای برقراری ارتباط تیم‌های نوپا با آن‌ها و ارائه مشاوره به مجموعه‌های جوان از طریق تعیین آن‌ها به عنوان کارفرما، ناظر، مشاور یا همکار در کارهای ارجاع شده.

◇ طراحی مکانیزم‌های گزارش‌گیری، گرفتن خروجی‌های تولید شده و نظارت و اصلاح خروجی‌ها (این کار نیز می‌تواند از طریق تشکیل حلقه‌هایی انجام شود، به نحوی که بخشی از نظارت‌ها توسط سایر تیم‌های جوان صورت گیرد).

هیولت و پکارد، بنیان‌گذاران شرکت hp نمونه موفق یک گروه خودجوش دانشجویی

شرکت هیولت-پکارد یا آن طور که امروزه از آن یاد می‌شود hp در واقع توسط دو دانشجوی هم‌کلاسی در دانشگاه استنفورد به نام‌های دیوید پکارد و ویلیام هیولت و با سرمایه ابتدایی ۵۳۸ دلار پایه‌گذاری شد. همت و تلاش این دو نفر باعث شد که سرمایه اندک آنها بعد از حدود هفتاد سال به ۹۰ میلیارد دلار برسد. در حال حاضر این شرکت در بیشتر از ۱۶۰ کشور جهان فعالیت می‌کند. نام شرکت نیز به طور اختصاری از حروف اول نام خانوادگی این دو نفر گذاشته شد و بدین سان hp در منطقه کالیفرنیا تاسیس شد شرکتی که بعدها ده‌ها و صدها زیرمجموعه برای خودش ایجاد کرد و یکی از قطب‌های بزرگ صنعت کامپیوتر در دنیا شد.

ویلیام بیل هیولت و دیوید پکارد هر دو دانشجوی مهندسی برق دانشگاه استنفورد بودند. این دو نفر، دو سال آخر دانشگاه را بر روی ساختن یک منبع ساده و دقیق سیگنال‌های فرکانس پایین (نوسان‌ساز صدا) کار می‌کردند، چیزی که بعدها اولین محصول شرکت اچ‌پی بود. بعد از تمام شدن دانشگاه، پکارد مدتی در جنرال الکتریک مشغول به کار شد اما باز هم به آزمایشگاه ترمین (استاد ممتاز استنفورد) برگشت و خیلی زود با تشویق و حمایت او و به همراهی ویلیام هیولت کار تازه‌ای راه‌اندازی کردند. آن‌ها برای نامگذاری شرکت که ph یا hp باشد سکه به هوا انداختند و به این ترتیب در سال ۱۹۳۹ فقط با سرمایه ۵۳۸ دلار و کار در محل یک گاراژ اجازه‌ای فعالیت شرکتی آغاز شد که امروزه در سطح بین‌الملل مدرن‌ترین تجهیزات فناوری اطلاعات را تولید می‌کند.

◆ فراهم کردن زمینهی کسب و کار برای استعدادهای برتر دانشجویی

نکتهی مهم دیگر در مورد استعدادهای برتر دانشجویی بحث فراهم کردن زمینهی کسب و کار است؛ یعنی دانشگاه باید بستری باشد برای تمرین کسب و کار آن هم نه تمرین بدون هدف، بلکه ممکن است این تمرینات به یک سری کسب و کارهای جدی و گروههای نخبگانی و شرکتهای دانشبنیان تبدیل شود که فضای آن باید فراهم شود. اقدامات زیر کمک قابل توجهی در این زمینه می تواند ارائه دهد:

۱. یکی از کارهایی که میتوان انجام داد بحث رصد گروههای نخبگانی دانشجویی، انسجام بخشیدن به آنها و تسهیل فعالیت و کاهش هزینههای آنهاست.

۲. نکتهی بعدی که حلقهی مکمل این قضیه است، فراهم کردن فضا برای ارائهی خدمات و محصولات است؛ یعنی وقتی یک گروه یا فرد احساس نکند که محصولش به جایی میرسد طبیعتاً جدیت و پشتکارش تضعیف میشود اما وقتی بداند که باید آن را در جایی ارائه کند و به محل و زمان ارائه برساند کار جدیتر شده، ارزیابی محصولات و اینکه آیا این فعالیت نخبگانی بوده یا خیر نیز سادهتر می شود. لذا تشکیل انواع بازارها، مرتبط کردن مجموعهها با بازارهای هدف و ارائهی محصولات تولیدی آنها به مشتریان مربوطه هم در تقویت کار و هم در ماندگاری آنها نکتهی مهمی است. یک کسب و کار و فعالیت وقتی ماندگار میشود که مشتری داشته باشد و مشتری حاضر باشد برای آن هزینه کند. دانشگاه میتواند از اعتبار خود برای این مجموعهها یا افرادی که فعالیت نخبگانی میکنند استفاده کرده و محصولات و خدمات آنها را به جامعه هدف ارائه نماید. یک دانشجو برای آن که محصول و خدمات خود را ارائه کند اعتبار چندانی ندارد؛ تیمهای

دانشجویی نیز همین طور، اما مطرح شدن دانشگاه یا اساتید دانشگاهی اعتبار ایجاد میکند. لذا تأمین اعتبار این گروهها (اعتبار به معنی جایگاهی که بتوانند محصول و خدمات خود را ارائه کنند) موضوع مهمی در شکلگیری و ماندگاری این مجموعههاست.

◆ آگاهسازی دانشجویان از مسائل حقوقی و اطلاعات ضروری حضور در بازار

یک سری مسائل نیز باید آگاهسازی شود مثل مسائل حقوقی، اینکه یک فرد در جامعه چگونه باید طرحی را ارائه کند؟ به کجا ارائه کند؟ چه حقوق و تکالیفی دارد؟ قالبهایی که در جامعه وجود دارد چیست؟ روال کارها چگونه است؟ بسیاری از دانشجویانی که فارغالتحصیل میشوند از این مسائل آگاهی ندارند. مواردی مثل افتتاح حساب، گرفتن دسته چک، انعقاد قرارداد، مذاکره، تنظیم شکایت، قوانین و بحثهای حقوقی که در کشور وجود دارد، ساز و کارهای موجود در سازمانهای مختلف، متولیان مختلف و موارد سادهای که هر کس در کار خود با آنها درگیر است، باید اطلاعرسانی شود تا دانشجویان بتوانند از قابلیت و خبرگی که در دانشگاه در آنها ایجاد میشود درست استفاده کنند.

◆ بسترسازی برای شکلگیری مؤسسات مطالعاتی-پژوهشی از ارتباطات بین نخبگان و سیستمهای واقعی جامعه

نکتهای که در ارتباطات بین نخبگان و سیستمهای واقعی جامعه به ندرت رخ میدهد این است که در بسیاری از دانشگاههای معتبر دنیا مؤسسات بسیار جدی در دانشگاهها شکل میگیرند، مؤسساتی که خدمات بسیار مهمی را به کشور ارائه میدهند، مخصوصاً مؤسسات مطالعاتی-پژوهشی، نه به صورت پژوهشگاههای ایران که صرفاً کار پژوهشی انجام میدهند، مؤسسات سیاستگذاری، تحلیل بازار و ... در

این موارد، یک فرد یا مجموعه نخبگانی، یک مؤسسه را در یک دانشگاه ایجاد میکند و در آن دانشگاه شروع به فعالیت میکند و فعالیت هم لزوماً فعالیت آموزشی نیست. باید به این افراد اجازه داد تا در دانشگاهها، مؤسسات و مراکزی ایجاد کنند که فعالیتهایی انجام دهند؛ البته مرتبط با حوزههای تخصصی دانشگاه و فضای دانشجویی. طبیعتاً ممکن است ایجاد یک مؤسسه تحقیقات غذایی در یک دانشگاه صنعتی به سختی اتفاق افتد، اما مؤسسات سیاست‌پژوهی، مدیریتی، تحلیل بازار و طراحی میتوانند ایجاد شوند. ایجاد چنین مؤسساتی به تقویت مجموعه منجر میشود؛ چون هم میتوانند از اساتید استفاده کنند هم اینکه دانشجویان را هدایت کرده، رشد دهند، به خدمت گرفته و در حین کار تربیت کنند.